

درباره انتخابات مجلس خبرگان

در صفحه ۲

تجربه ۲۸ مرداد

در صفحه ۷

در صفحات بعد:

- شناخت جامعه ایران (۸) - برخی نتیجه گیری های عمومی (صفحه ۳ - ستون اول)
- حل مشکل مسکن در گرو برنامه ریزی و سرمایه گذاری دولتی است (صفحه ۶ - ستون سوم)
- فعالیت ضد کمونیستی امپریالیسم در ایران تشدید شده است (صفحه ۸ - ستون سوم)
- ایجاد ابهام در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران بسود ضد انقلاب است (صفحه ۸ - ستون سوم)
- آزادی - شعری از بوزین آذر مهر (صفحه ۸ - ستون اول)

چند روز پیش
۵۴ مستشار
نظامی
آمریکائی
باهلیکو پتر
وارد
ایران
شده اند

ما از دولت میبرسیم :
ورود مستشاران نظامی آمریکا
به ایران برای چه منظوری است؟

مردم

۱۵۳۲ /

ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره : ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۲
دوشنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

حزب توده ایران فعالیت سازمانی خود را در کردستان ایران آغاز می کند

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
همبستگی با خلق قهرمان
فلسطین و ضمیمه همه
نیروهای انقلابی
ایران است

امام خمینی، طی پیامی، آخرین جمعه ماه رمضان را روز همبستگی بین المللی در حمایت از حقوق ملی و قانونی خلق قهرمان فلسطین اعلام کرده اند. این ابتکار رهبر انقلاب، در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی یورش و خشیانه علیه خلق قهرمان فلسطین را بیش از پیش شدت میدهند و از هیچ عمل تبهکارانه ای برای ضربت زدن به سازمان آزادیبخش فلسطین و به انقلاب خلق زجر کشیده فلسطین روی گردان نیستند، اهمیت فراوان کسب میکند. جنایت فجیع اخیری که موجب شهادت زهیر محسن، یکی از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین گردید، و نیز نقشه ای که امپریالیسم آمریکا طرح کرده است تا با همکاری سادات و بگین، یک خودمختاری دروغین را «حل عادلانه» مسئله فلسطین جلوه دهند، فقط جزئی از توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی علیه نهضت آزادیبخش مردم فلسطین است.

حزب توده ایران، که همگام با تمام نیروهای ضد امپریالیستی و آزادیخواه جهان، از پیکار عادلانه خلق عرب فلسطین در راه احیای حقوق ملی و تاریخی خود و بازگشت به وطن و تعیین آزاد سر نوشت و تشکیل دولت مستقل خویش، همواره بطور پیگیر پشتیبانی کرده است، از همه نیروهای ضد امپریالیست و آزادیخواه دعوت میکند که با شرکت فعال در این مراسم، بار دیگر مراتب خشم و نفرت خود را نسبت به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی و همبستگی انقلابی خود را با خلق قهرمان فلسطین ابراز دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۹ مرداد ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران، از بدو تأسیس خود، مبارزه برای برانداختن هر گونه محرومیت ملی را برای خلق های غیر فارس، که در سرزمین میهن ما زندگی میکنند، یکی از مهمترین مواد برنامه سیاسی خود قرار داد.

حزب توده ایران از همان آغاز بر آن بود که وحدت ملی در کشوری که خلق های متعددی در آن زندگی میکنند، تنها بر پایه احترام متقابل این خلق ها بیکدیگر امکان پذیر است. این احترام متقابل می طلبد که در چارچوب تمامیت ارضی و مرکزیت دولتی کشور واحد، هر یک از این خلق ها بتوانند خودمختاری اداری و فرهنگی خود را تحقق بخشند، بزبان مادری خود تحصیل کنند و در تمام

بقیه در صفحه ۷

انقلاب، ضد انقلاب و آزادی مطبوعات

در صفحه ۴

گسترش ظرفیت تولیدی
کارخانه ذوب آهن اقدامیست
در سمت استحکام پایه های
استقلال اقتصادی ایران

بقیه در صفحه ۵

از: احسان طبری

زندگی و پیکار علی

از علی آموز اخلاص عمل «مولوی»

روز نوزدهم رمضان، علی بن ابیطالب، داماد محمد بن عبدالله، پیغمبر اسلام و شوهر فاطمه، امام اول شیعیان و پدر سبطین (حسن و حسین که امامان دوم و سوم هستند) بدست یکی از «خوارج» در مسجد کوفه، از ناحیه سر، به ضرب شمشیری زهر آلوده، مجروح شد و در اثر این جراحت، روز ۲۱ رمضان، در چهلمین سال هجرت نبوی و به اقرب احتمال در ۶۵ مین سال زندگی، دیده از جهان فرو بست.

مسلمین، بویژه شیعیان علی، این ایام ولیای نیمه رمضان را مقدس و گرامی می شمردند و ما نیز بدین سبب بموقع میدانیم، از دیدگاه یک مارکسیست ایرانی، که پیوندهای معنوی گوناگونی با زندگی و پیکار و شخصیت تاریخی علی احساس میکند، از این رجل مثبت و جالب تاریخی یاد کنیم.

سر نوشت برای علی بن ابیطالب، زندگی شکفت و دشوار و رنجباری را مقدر ساخته بود، زندگی مردی شایسته و دلیر، که به سبب پابند بودنش به ایمان، پیوسته ناشایستگان بر او پیشی میکردند و با تمام فرومایگی سرشتی خود، او را میکوبند. این یکی از درسهای غم انگیز تاریخ جامعه طبقاتی است که میگوید، به اصول پابندی، منتظر ضربات جسمی و روحی دشمنان دغل پیشه و دد منش باش. ولی در عین حال تاریخ پیروزی معنوی و ابدیت افتخار آمیز او را نشان میدهد.

علی، از همان آغاز کودکی، پیروده محمد و نخستین کسی بود که دعوت محمد را باسلام پذیرفت و تا پایان زندگی محمد، در همه سراپاوغزوات (بهین نبرد «بتوکه») پرچمدار سپاه اسلام و از شجاعترین سرداران آن بود و بویژه در غزوات «احد» و «خیبر» تهور و جانبازی را بحد اعلی رساند.

علاوه بر شجاعت و جنگاوری، دانا، شیوا، پارسا و در مراعات بقیه در صفحه ۲

دنیا
با تحلیل های علمی شما را با مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان آشنا میکند.
با طرح مسائل تئوریک، شما را با جهان بینی و مسائل ایدئولوژیک آشنا میسازد و با دانش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم مجهز میکند.
با ارائه رهنمودهای حزب توده ایران، شما را برای مبارزه متحد علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای مبارزه پیگیر در راه سازندگی جامعه نوین انقلابی میهنمان یاری میکند.
«دنیا» را بخوانید و همه را بخوانند آن فرا خوانید!

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

زندگی و پیکار علی...

قیه از صفحه ۱

اعلامیه کمیته
مرکزی حزب
توده ایران

درباره انتخابات مجلس خبرگان

هموطنان!

انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان پایان یافت و انجمن مرکزی نظارت، انتخاب شدگان را معرفی کرد. هیئت وزیران نیز آئین نامه کار یکماهه مجلس خبرگان را تدوین کرده است. اینک زحمتکشان و همه محرومین جامعه انتظار دارند که در سر موعده، پیش نویس قانون اساسی کشور، با اصلاحاتی در جهت تأمین کامل حقوق آنان در زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آماده گردد و برای تصویب نهائی به همه پرسی گذاشته شود.

حزب توده ایران، از آنجا که به اهمیت و لزوم تصویب هرچه سریعتر قانون اساسی اعتقاد دارد، از آنجا که نمایندگان مجلس خبرگان در اکثریت خود با رأی مردم انتخاب شده اند، با وجود ایرادات جدی به جریان انتخابات - از همان مرحله تشکیل انجمن مرکزی نظارت و انجمنهای محلی و روش گروههای مؤلفه در جریان معرفی کاندیدها و جریان رأی گیری و جریان شمارش و خواندن آراء - در مجموع خود در مورد این انتخابات موضع تأییدی میگیرد. در عین حال این موضوعگیری تأییدی مانع از این نیست که ما با کمال صراحت و تأسف و نگرانی خود را ابراز نداریم، تأسف از اینکه چرا باید اولین انتخابات پس از انقلاب حماسه آمیز مردم ایران بر اثر روش دولت و گروههای انحصار طلب معیوب باشد، تا جایی که حتی رهبر حزبی که اکثریت مطمئن آراء را در تهران و شهرستانها بدست آورده است، مجبور شود به جریان معیوب انتخابات اعتراض کند و نگرانی از اینکه میباید این روش معیوب، در جریان انتخابات آینده، تکرار گردد.

ما کوشش میکنیم که در زیر مهمترین ایرادات خود را درباره کلیه جریان این انتخابات بیان داریم.

۱ - انتخاب انجمن مرکزی نظارت - نقش انجمن مرکزی نظارت و انجمنهای فرعی اهمیت فوق العاده در تأمین درستی جریان انتخابات دارد. در این باره هرگونه بحثی زائد است. ولی آیا در برگزیدن این انجمن مرکزی و تعیین انجمنهای فرعی، این اصل مراعات گردید که نمایندگان همه احزاب و گروههای سیاسی، صرف نظر از اینکه در اکثریت باشند یا در اقلیت، شرکت برابری داشته باشند و بتوانند با شرکت فعال خود از اقدامات نادرست در جریان انتخابات جلوگیری کنند؟ باید اعتراف کرد که اینطور نبود. انجمن نظارت مرکزی و انجمنهای فرعی در انحصار تقریباً مطلق گروه مؤلفه حزب جمهوری اسلامی قرار داشت. چنین وضعی نمیتواند اعتماد احزاب و گروههایی را که در انجمن نظارت شرکت داده نشدند، تأمین نماید و علامت به ثبوت رسیدگی این عدم اعتماد بجا و درست بوده است.

۲ - تزیینات در فعالیتهای انتخاباتی - در جریان انتخابات دولت و وزارت کشور موظفند که امکان برابر برای معرفی کاندیدها و تبلیغات انتخاباتی برای همه احزاب و گروههای سیاسی تأمین نمایند. با کمال تأسف باید گفت که نه تنها از طرف گروههای افراطی و ضد انقلاب، بلکه از طرف افراد وابسته به گروه اکثریت هم آتقد در جهت ایجاد تزیینات علیه سازمانهای سیاسی دیگر، بویژه علیه حزب توده ایران، زیاده روی شد، که آیتاله طالقانی نیز قاطعانه این اعمال را خدمت به دین ندانست.

این افراد با بی پروائی وزیر حمایت مامورین دولت و حتی برخی از کمیتهها، اعلانات تبلیغاتی حزب ما را پاره میکردند، مبارزان حزب ما را وحشیانه مشروب و مجروح میساختند. مانع فروش روزنامهها و اوراق تبلیغاتی حزب توده ایران میشدند و... این عملیات را نمیتوان اسلامی نام نهاد و نه دمکراتیک. اینها روشهای ارتجاعی است که از طرف همه هواداران آزادی و از آنجمله مسلمانان مبارز و انقلابی و انسان دوست محکوم شده است. با این شیوهها میتوان حریفان را در مراحل معینی از تساریخ از میدان بیرون کرد، ولی همانطور که سراسر تاریخ نشان داده است، نظامی که پایه قدرت خود را به این شیوهها استوار سازد، سرانجام با ناکامی روبرو خواهد شد. ما امیدواریم که بایند گرفتن از این رویدادهای دردآور، دولت و رهبران سیاسی و مذهبی اکثریت، که خود را هوادار راه امام خمینی میدانند، این شیوهها را نه تنها در گفتار، بلکه در کردار سیاسی و اجتماعی خود محکوم و مژد سازند.

۳ - اعمال نفوذ در جریان رأی گیری - اگر در مورد مردم میتوان تقصیر درجه اول را متوجه گروههای بی مسئولیت، مامورین ساواک و ضد انقلاب و خرابکاران مائوئیست و گروههای افراطی راست دانست، در این مورد

موازین دین بخود و دیگران سخت گیر بود و بهمین سبب مورد علاقه پرشور پاک ترین افراد از میان مهاجران و انصار و دیگر مسلمانان بود. کسانی مانند، عمار یاسر، ابازرمقنادی، سلمان فارسی، ابوموسی اشعری، مالک اشتر و امثال آنان که به ورع و دینداری شهرت داشتند، با واردات می و وزیدند. علی تا آخر عمر نماینده جناح دمکراتیک بر ابر طلب و عدالت پرست اسلام، که از میان آنها «اهل صفا» بروز کردند، ماند و «مولای متقیان» و «شاه مردان» لقب گرفت.

پس از درگذشت محمد بن عبدالله، بسا آنکه بقول معتزله، «اهمات مفضول بر فاضل جایز نیست»، در ارض حمایت بزرگان قریش در «سقیفه بنی ساعده»، مرکز شور و انتخاب خلیفه از جانب مهاجرین و انصار، کسانی مانند ابوبکر و عمر و حتی عثمان بن عفان، بر او در خلافت پیشی گرفتند، وی چون مسلمی مؤمن و با انضباط بود، وحدت امت نبوی را مراعات کرد.

در میان این سه خلیفه، بویژه عثمان، بازرگانی حریص و مالدار، خویشتاوند پرور، مغرض و ستم پیشه بود، که کسانی مانند مروان بن حکم را بر مردم مسلط میساخت. عثمان پایه گزار استبداد اشرافی و مسئول مسخ کلی حاکمیت اسلامی است، که بعدها شیوه خلافت امویان و عباسیان از آن زائیده شد. شورش طبیعی مردم منجر به قتل عثمان بن عفان شد. اشرافیت قریش و همه کسانی که به علی، از جهت اخلاص و عمل اسلامی کینه داشتند، پیراهن خونین عثمان را علم کردند و شورش را به پای «توطئه گری» علی نوشتند، یعنی مردی که دامنش از هرگونه دورویی و دیسه جوئی پاک بود.

پس از مرگ عثمان، چون از میان «اصحاب شورا» (که عمر آنها را پس از خویش لایق خلافت شناخته بود)، سعد بن ابی وقاص کناره گرفت و طلحه و زبیر بظاهر کردن نهادند، مهاجرین و انصار سرانجام علی را بخلافت برداشتند. خلافت علی برخیل دشمنانش افزود. وی مردی بود فقیر و زاهد پیشه، که رشوهستان نبود، حکومت موافق عدل و قسط اسلامی میراند، بیت المال را اذ دستبرد هر کس، هر قدر هم بوی نزدیک بود، دورنگاه میداشت و در داورها جانب حق را میگرفت نه جانب شخصی را. پیدا بود که چنین شیوه عمل، در دورانی که دیگر فتوحات بزرگ سپاه اسلام در مشارق و منارب، قشری انگل بگرد بیت المال انباشته از غنیمت پدید آورده بود، چه واکنشی میتوانست داشته باشد.

طلحه و زبیر، مدعیان خلافت و از «اصحاب شورا»، با عایشه زن پیغمبر اسلام، که خلافت علی را با هوسهای خود ناساز میبافت، دست بیکدیگر کردند و در جنگ موسوم به «جنگ جمل» علیه علی برخاستند. سپاه علی سرانجام ناکه عایشه را پی کرد، مقاومت طلحه و زبیر را در هم شکست و پیروز شد.

این بار نوبت معاویه بن ابی سفیان بود که بمیدان آید. پدرش از دشمنان محمد و از اشرافیت پرده دار یا «سادن» کعبه بود، که تنها پس از شکست و فتح مکه بدست محمد، به اسلام گردن نهاد. پسرش، نو مسلمان دروغین، والی شام بود و در آنجا به تقلید ولای رومی بساط سلطنت گسترده بود. او چگونه میتوانست با دستورهای انضباطی و سختگیرانه علی، که نمونداش در نامه های خطاب ب مالک اشتر ثبت تاریخ است، سازگار باشد؟ او، از روی سالوسی ذاتی خود و مشاور خدعه کارش عمرو بن عاص، «کین خواهی عثمان» را بهانه ساخت و در مرداب «رقه»، کنار شط فرات، جنگ صفین را علیه علی برآه انداخت.

سپاه معاویه حریف سپاه علی نبود، لذا بدستور عمرو بن عاص، حيله را چنانچه شمشیر ساخت. لشکریانش قرآن بر سر نیزه ها کردند و حکمیت خواستند. چون در میان دو سپاه اقوام و هم قبیله ها زیاد بودند، شعار «جنگ نه، حکمیت آری» گرفت. علی ناچار شد تن در دهد. نماینده علی در حکمیت، پارسائی ساده دل، بنام «ابو موسی اشعری»، خامی نشان داد و فریب نماینده معاویه، یعنی عمرو بن عاص را خورد. در نتیجه جمعی بنام «خوارج» از لشکر علی انشعب کردند، که چرا اصلاً تن به حکمیت داده، زیرا که چنین اموری، حکمیت بردار نیست. ولی علی که به پایه شور و دمکراتیسم اسلامی باور داشت، در صد آن نبود خود را «بضرب سیف» تحمیل کند و به علاوه چرخش وضع را بدین شکل نابویسیده و ناهنجار پیش بینی نمیکرد. آری، علی غیب نمیدانست. وقتی مخالفان از محمد غیب گوئی میخواستند، در قرآن پاسخ داد: «بگو، اگر غیب میدانستم، نیکی ها را بر خود فزادان میساختم و ناگواری بمن نمیرسید، و کسی جز خدا غیب دادن نیست».

هنوز از فتنه معاویه فارغ نشده، علی با فتنه عبدالله بن وهب راسبی، سالار خوارج، یعنی سر کرده یاران قشری و نادان و بیمان - شکن خویش روبرو شد. تا آنجا که میشد، جمعی از آنها را با پند و استدلال، بچکم «و جادلهم باللغی هی احسن»، هدایت کرد. ولی قریب سه هزار تن تاریک اندیش و خشن، با راسبی، که سخن بازو «تقوی باف» بود، ماندند. چاره ای جز جنگ نماند. در «نهروان» جنگی سخت در گرفت و خوارج راسبی منهزم شدند. ولی آنها از پای ننشستند و دست به شیوه «فتک» و ترور زدند. یکی از آنها بنام عبدالرحمن بن ملجم مرادی، شمشیر زهر آکین در زیر عبا نهفته، وارد مسجد شد و علی را هنگام نماز مشروب و سرانجام با غوش مرگ فرستاد. از بیم دشمنان، حتی گور علی را، به شهادت برخی از مورخین، تا چندین پنهان نگاه داشتند!

چه زندگی پر شور، دشوار، پر از آزموونها و سوانح شگرف، چه زندگی راستین و مردانه ای! حق پرستی و عدالت خواهی علی، او را از سعادت خود خواهانه، محروم ساخت، ولی به بارگاه جاویدانهای تاریخ فرستاد.

نقش هواداران گروه مؤلفه اکثریت بی چشم میخورد. این روشها و اقدامات ضد دمکراتیک چنان بسود که حتی رهبر اکثریت برنده انتخابات، آقای دکتر بهشتی، مجبور شد که به آن اعتراف کند، و اگر قبول داریم که ایشان مسلماً به جزء کوچکی از واقعیت اعتراف کرده اند، باید به این نتیجه برسیم که جریان بطور جدی معیوب بوده است. ما نمیتوانیم در اینجا وارد جزئیات بشویم. ولی این مهم است که بسیاری از مراکز گرفتن رأی بصورت مرکز فعالیت وابستگان به گروه اکثریت درآمد، در نوشتن آراء برای هواداران این گروه اعمال نظر و نفوذ بعمل آمد، آراء بسیاری از رأی دهندگان که به گروه اکثریت رأی نداده اند، به صندوق ریخته نشد و در مواردی پاره شد. و بجای آن رأی دیگری به نفع کاندیدا های اکثریت بصندوق انداخته شد.

در انجمنهای دوردست، در سراسر ایران، از بی نظمی های بمراتب بیشتری از تهران گزارش شده است. گزارشهایی حاکیست که افراد دست چپین شده انجمنهای نظارت نه تنها از این بی نظمیها جلو گیری نکرده اند، بلکه در موارد بسیاری آنرا مورد تأیید و تشویق قرار داده و در آن شرکت جسته اند.

اینها همه نشان میدهد که وظیفه احزاب و سازمانهای هوادار آزادی و دمکراسی، برای تدارک انتخابات آینده، بسیار دشوار و پر مسئولیت است و از هم اکنون باید برای آن آماده گردید.

۴ - شمارش و خواندن ثبت آراء - بطوریکه همه شواهد نشان میدهد، در این قسمت، که مستقیماً زیر نظر انجمن های نظارت انجام گرفته، بی ترتیبی و اعمال نظر جدی به زبان کاندیدهای اقلیت صورت گرفته است. شواهد گویای دال بر آنست که لاقول در آنچه که مربوط به حزب توده ایران است، بخش قابل توجهی از آراء کاندیدهای حزب، در بسیاری از انجمنهای نظارت در تهران، حومه و شهرستانها خوانده نشده و بحساب نیامده است. بعضی شواهد گویا را یاد آور میشویم.

در کرمانشاه برای کاندیدای حزب توده ایران، که فقط ۳ روز قبل از انتخابات در محل خود را به مردم معرفی کرد، نزدیک به ۵ هزار رأی خوانده شده است. در مقابل در تهران، که همه شاهد میتینگ چند ده هزار نفری انتخاباتی حزب ما در زمین چمن دانشگاه تهران بودند و همه میداند که در این میتینگ تنها بخشی از هواداران حزب ما شرکت داشته اند و بدون تردید بسیاری از هواداران حزب توانسته اند با تبلیغ چند نفر را برای دادن رأی به لیست کاندیدهای حزب آماده سازند - برای رفیق عباس حجری، مبارز پایبندی که مقاومت ۲۵ ساله وی در زندان شاه خائن احترام اکثریت مبارزان، حتی مخالفان حزب ما را بخود جلب کرده است، تنها ۱۶ هزار رأی خوانده شده است!

بدینسان، تردیدی نیست که بخش مهمی از لیستهای کامل کاندیدهای حزب توده ایران قرائت نشده و یا از بین برده شده است.

بنظر ما، البته این تبعیض و بی صداقتی تنها در باره لیستهای حزب توده ایران نبوده، بلکه سایر احزاب و گروه های اقلیت هم مشمول این تبعیض و بی عدالتی شده اند. باید گفت که اگر همه این بی نظمیها و دست اندازیها هم نبود، لیست گروه اکثریت انتخاب شده، با بهره گیری از نام پر احترام امام خمینی، بازم پرورانه بیرون می آمد، ولی در این حال، این بیروزی مسلماً کمتر آسیب پذیر و تردید آمیز میبود.

بهر حال امیدواریم این تجربه، که مسلماً دامن آزادی نوپیدا ایران را لکه دار کرده است، در آزمایشهای آینده تکرار نگردد.

اینک مجلس خبرگان، علیرغم عیوبی که در انتخابات آن وجود داشته است، تشکیل شده است. همه مردم ایران انتظار دارند که نمایندگان مجلس خبرگان با تصویب آنچه قانون اساسی که بازتاب روح و اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باشد، این عیوب را بدست فراموشی سپارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۱ مردادماه ۱۳۵۸

شرکت های نفتی راملی کنید!

کمیته اجرائی اتحادیه کارگری «افل-سیو» در آمریکا اعلام کرد که در صورتی که شرکت های نفتی منافع مردم را تسامین نکنند، باید ملی شوند. این اتحادیه اضافه کرد که انحصارات نفتی از قدرت خود سواستفاده میکنند و تنها به منافع خودخواهانه خود میاندیشند.

سخنان و نامه های پر شور علی، که یکی از اسادات معروف دوران عباسی، شریف رضی، آنرا در مجموعه ای بنام «نهج البلاغه» گرد آورده، گواه دانش و صدق انقلابی و اسلامی اوست. بسبب همین شخصیت مثبت علی است که، نخستین کنکره حزب توده ایران با این سخن او آذین شده بود.

«کن للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» - دشمن ستمگر و یار ستمکش باش!

شناخت
جامعه
ایران (۸)

برخی نتیجه گیری های عمومی

از: احسان طبری

در چند گفتار موجز و فشرده ای که گذشت، تمییمات و بدیهه های چند درباره سیر دیرینسال تاریخ کشور ما بیان شد، که ابتدا دعوی کشف خاص یا مطلقیت ندارد، بلکه تنها هدفش آن است که انگیزه غور در سیرها بیشتر شود؛ سپس که در کشور ما مغزهای جوان و آفرینگر کم نیست.

در سالهای اخیر، در بسیاری مسائل مربوط به تاریخ ایران، گاه کتب تفصیلی جالب و محققانه ای نشر یافته و جهات مختلف تمدن ایرانی، ضمن این بررسی های تفصیلی، بویژه از نظر فاکتورگرافی، روشن شده و طبیعتی است که چند گفتار کوتاه در روزنامه، مدعی نیست که بتواند جاننشین آن بررسی های تفصیلی شود یا این دعوی را بمیان کشد که گویا یافته های نابوسیده ای را عرضه داشته است، بویژه آنکه مؤلف این گفتارها، «عجالتاً» امکان نداشته است مطالب خود را بر یک تحقیق سندی مبتنی سازد و به صادرات ذهن خویش بسنده کرده است و این وضع بناچار خطر نتیجه گیریهای شتابزده را با خود دارد.

تمام هدف این گفتارها نشان دادن این نکته بوده است که در صورت احتراز از جزم گرایی و کاربرد قشری اسلوب مارکسیستی در مورد تاریخ ایران، تقریباً چگونه منظره ای در عرصه ها و جهات مختلف بدست می آید و یک مارکسیست ایرانی، نسج پیچیده سرگذشت ایرانیان را در این سرزمین تقریباً چگونه می بیند و یا میتواند ببیند.

اگر بخواهیم از آنچه که گفته ایم نتیجه گیری کنیم - در واقع هم همین نتیجه گیری های عملی است که میتوان در روایت گذشته ها را عبرت انگیزتر و سودمندتر سازد - آنگاه این نتیجه گیریها به قرار زیرین است:

۱- اگر درست است که ایران در بخش عمده خود، کشوری است بیابانی و نیمه بیابانی، خشک و کم آب و کوهستانی و این شرایط نامساعد، کشاورزی و دامداری و باغداری و بستانکاری ما را همیشه در زیر ضربات طبیعت سوزان و بخیل قرار میدهد، لذا حل مسئله آب، گسترش اراضی زیر کشت، حمایت نیرومند همه جانبه از دهقان بی زمین و کم زمین، بسط دامپروری و حمایت نیرومند از شایانان، توجه مشخص جدی به باغداری و بستانکاری از اهم وظایف ماست. تأمین آب ضرور، خود کفای سازی کشاورزی و دامپروری ما، تبدیل ایران یکی از تولید کنندگان میوه و گل و حتی از صادر کنندگان برخی از انواع مرغوب آنها، بشهادت علم و به گفته کارشناسان شدنی است. البته این بشرطی است که مثلا میلیاردها درآمد نفت در مجرای خرید آهن پاره های بنام سلاح نیافتد، بلکه ده گلین و خواب آلود و خشک و بیمار و تاریک و بیسواد ایرانی را بیدار کند. بعلاوه چنین بنظر میرسد که در این کشور خورشیدی، استفاده از انرژی آن، موافق آخرین دستاوردهای علم، کار سودمندتری است تا جستجوی راه پرمخاطره تر انرژی اتمی.

در مورد زندگی عشیرتی و اقتصاد عشیرتی، که در موهن داسا تاکنون حفظ شده، بدون مطلق کردن ناسنجیده سیاست امکان یا عدم امکان، و با نیت ایجاد بهترین شرایط برای حفظ اقتصاد دامپروری، باید سیاست علمی تنظیم کرد. تا روستا و مراکز عشایری ما از ظلمات قرون بیرون نیاید و مناسب با شرایط اقلیمی و ژئوفیزیکی ایران احیا نشود، اعتلاء تمدن ما پیوسته ناستوار و سطحی خواهد ماند. باید یکبار برای همیشه این منظره را، که هزاره های طولانی دوام آورده، از روی سنجش و موافق تکامل درونی خود بافت اجتماعی دگرگون کرد و در این دگرگونی نه تنها به تکامل مدنی بلکه به سرفروشی انسانها نیز توجه درجه اول داشت.

اخیراً یکی از مؤلفین درباره حدود کاربرد ماشینهای نوین کشاورزی در روستاهای کوهپایه ای و کوهستانی ایران مطالبی نشر داده. بدون آنکه بخواهیم باین نوع قضاوتها در بست صحنه بگذاریم، ولی بدین ضرور بودن آنها را تأکید میکنیم. ما نه فقط باید مسئله ارضی و کشاورزی را حل کنیم، بلکه باید اسلوبهای خاص منطبق بر سرزمین و فضای کشور خود را برای این حل بیابیم و در این امر از آزمون قرون ممدگوریم و از دانش معاصر فیض پذیریم. قبول دانش و تکنیک و تکنولوژی دیگران باید با بررسی پرسواس آزمونهای دیرینه خود ما همراه باشد و این آزمونها کم نیست.

۲- اگر درست است که پیوند ایران در اثر کوهستانها و گرده های دشوار گذر و بیابانهای دور، از درون گسسته است، پس باید شبکه فیزیکی از راه آهن و جاده های زمینی و راههای هوایی و وسائل معاصر ارتباط سرپای کشور را بهم متصل کند تا به شکل و تبلور بازار ایران مشمول و ایجاد اقتصاد صنعتی و کشاورزی و توزیعی و خدماتی سازمانده (استروکتوریزه) و کارآئی دستگاه دولتی سازمان های دیگر کمک کند و فرهنگ را به اقصای کشور برساند.

۳- اگر درست است که ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک حساسی است، گذرگاهی است بین شرق و غرب، شمال و جنوب، پس باید با تعقیب یک سیاسی خارجی و داخلی خردمندانه و خلقی و از لحاظ علمی سنجیده و دورنمادار، حیثیت سیاسی ایران را در منطقه، نه بر اساس لاف و گزافهای

قاتلان و ندادایمانی باید مجازات شوند

در تاریخ ۵/۱۳/۵۸ در بین راه شیرگاه - قائم شهر، یکی از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق بنام و نداد ایمانی مورد حمله عده ای قرار گرفت و بقتل رسید. این جنایت فجیع مورد اعتراض شدید همه مردم مازندران، همه نیروهای خلقی، از جمله حزب توده ایران است.

باینکه مقامات دادگستری وعده رسیدگی به این جنایت و محاکمه و مجازات قاتلان را داده اند، ولی متأسفانه هنوز اقدام جدی در این زمینه صورت نگرفته است. ما به نوبه خود می طلبیم که با محاکمه و مجازات فوری قاتلان، امکان تکرار چنین اعمال ضد بشری و ضد انقلابی از بین برده شود. ما به بازماندگان و یاران و همزمان و نداد ایمانی صمیمانه تسلیت میکنیم.

عمال ساواک علیه حزب توده ایران تحریک و توطئه میکنند

گزارشی از فعالیت های ضد انقلاب علیه حزب توده ایران به ما رسیده، که عیناً آنرا نقل میکنیم. یکی از خبر نگاران «مردم» مینویسد:

«در روز چهارشنبه دهم مرداد، که در دانشکاه تهران میتینگ انتخاباتی حزب توده ایران برگزار میشد، مامور انتظامات این میتینگ بودم. حدود ساعت ۷/۳۰ بود که برای انجام کاری آنجا ترک کردم و تصادفاً به بیرون دانشکاه رفتم. در آنجا دیدم که یک نفر به ما مورین کمیته نزدیک شد و گفت: آقا، توده ای ها با کلت بطرف بیرون شلیک میکنند. گفتیم: من خودم آنجا بودم و اصلاً این خبرها نیست. چرا دروغ میگوی؟ هنوز اعتراض من تمام نشده بود، که آن مرد بسرعت دور شد. چند لحظه نگذشته بود که مرد دیگری، با قد نسبتاً کوتاه و هیكل متوسط، که یک کیف کوچک زیر بغل داشت، نزدیک ما مور کمیته شد و گفت: آقا، توی دانشکاه یک تیربار کار گذاشته اند و یک نفر شخصی هم پشت آن نشسته، و از این قبیل حرفها. من باو هم اعتراض کردم و گفتم: چرا دروغ میگوی؟ میخوای اینجا جنک راه بیندازی؟ و بعدم بلافاصله مچش را گرفتیم و گفتم: بیا به من نشان بده ببینم، کجا توده ای ها تیربار کار گذاشته اند؟ و او را بطرف دانشکاه کشیدیم. مرد با تردید همراه من میآمد. وقتی داخل محسوطه دانشکاه شدیم، باو گفتم: کجاست؟ نشان بده در این موقع اوانگشتش را بلب گذاشت و گفت: الان اینجا بودا او را نزدیک مامورینی که داخل دانشکاه بودند، بردم و به آنها گفتم: این آقا گزارشهای دروغ تحویل مامورین میدهند و میخوایند اینجا را بهم بریزد. مامورین گفتند: عیبی نداره، بگذار برو... من آن شخص را رها کردم و رفتم نزدیک همان مامورین کمیته و راجع به فعالیت های ساواکیها با آنها صحبت کردم. آنها گفتند: خاطر جمع باشد. اینها هر روز و همیشه کارشان این است. اگر ما میخواستیم به این حرفهای دروغ اهمیت بدهیم که الان جنک راه افتاده بود. من از آنها تشکر کردم و گفتم: شماها (یاسداران انقلاب) واقماً در خدمت انقلاب بوده اید و حامی جان و مال و ناموس مردم هستید. خسته نباشید!»

و ضد خلقی و غرق در تجمل و فساد و استبداد و کسرت کنند اراده انسانی و مایه تیره روزی و خفت زحمتکشان جامعه بوده، پس باید گفت: دیگر بس است! زبونی هزاره ها کافی است! بسوی یک نظام خلقی و انسانی، بسوی یک جامعه ساز و تهی از فشار و تعصب، بسوی یک جامعه مولدان یدی و فکری کام برداریم و نظام زمین سالاری و سرمایه سالاری را، که انگیزه بردگی روح و جسم انسان است، به موزه بفرستیم.

ایران بهد کافی اشک و خون ریخته، که در خورد فضای آزاد برای تنفس باشد و از چنگ آدمکشان و چپاولگران در ده و شهر و عشیره برهد؛ دیگر وقت است!

ما در شرایط کنونی خواستار استقرار یک نظام ملی و دمکراتیک هستیم که در آن طبقات و قشرها و اقتصاد چند ساختی از میان نمی رود و بخشی از سرمایه داری در شهر و ده، که با تولید و توزیع و بازار داخلی پیوند سرشتی دارد، بصورت بخش غیر عمده، در کنار بخش عمده (عمومی یا دولتی و تعاونی) حفظ میشود.

موافق این نظام، ما خواستار یک دمکراسی ملی هستیم که در آن تمدد و استقلال سازمانی اجزای و سندیکها و جمعیتها و مطبوعات در چارچوب یک «جهت واحد خلقی» و یک «برنامه مشترک نوسازی جامعه» بر پایه استقلال و دمکراسی، حفظ میگردد. زیرا تبدیل دمکراسی به لیبرالیسم ازنوئی و نقی تنوع سازمانها در جامعه ای که دارای طبقات و قشرهای مختلف از سوی دیگر، هر دو خطاست هر دو خطرناک است.

بنظر ما چنین است خطوط اساسی یک نتیجه گیری عام از راه دراز طی شده تاریخ کشور ما. پایان

بوی و خنده آور شوینستی و «آریامهری»، بلکه بر اساس ایجاد یک استقلال و دمکراسی با محتوا، یک سیاست خارجی صلح آمیز، انسانی و متین، چنان بالا برد که ایران سکوی تعادل در منطقه باشد، احترام و اعتماد همسایگان را جلب کند، نه آنکه آلت دست دیگران علیه همسایگان خود شود و آتش آفرین منطقه باشد.

سیاست سلسله پهلوی، سیاست خائنانه ای بود که موقعیت حساس ژئوپلیتیک ایران را بموضوع معاملات ارزان بدل کرد و زیر پا گذاشت و نوکر و ارحاف سود با آورده غارتگران و سوداگران اسلحه بود. باید این سیاست ضد ملی و جنون آمیز را برای ابد دفن کرد.

۴- اگر درست است که در قلات ایران خلقهای مختلف بسر میبرند، پس نباید اجازه داد که یک خلق، با تکیه بر برخی امتیازات، از جهت فرهنگی و اداری و اقتصادی بر خلقهای دیگر برتر باشد و حق خود سر نوشتی آنها را با مال کند. ایران باید بصورت فدراسیون بهم پیوسته ای از خلق های دوست و برادر و خود مختار بسر برد. باید سرانجام بی برده که تمامیت ارضی کشور ما، با ادامه سیاست گذشته، در شرایط کنونی بیداری خلقها در خطر خواهد افتاد. علاوه بر آنکه بدون تأمین خود مختاری خلقهای ساکن قلات ایران، دمکراسی در کشور ما از یک پا خواهد لنگید. همین امر درباره برابری کامل حقوق زنان ستمدیده و توهین شده سرزمین ما بسا مردان در همه عرصه ها صادق است. این مطلب نیز بهمان اندازه حیاتی است.

۵- اگر درست است که طی صدسال اخیر، استعمار و نو استعمار ما را در جاده غلطی انداختند که سود غارتگران آنها و عمال ایرانیشان آنرا می طلبید و در نتیجه کشور ما به بدترین معنای کلمه وابسته انحصاری های امپریالیستی غرب شده است، و از جهت فن و فن آوری (تکنولوژی) و مدیریت و مواد خام و نیم ساخته و بازار فروش و پرداختها (ارزی) و غیره دستش تماماً زیر سنگ انحصارهای قدرت چند ملیتی نفت و اسلحه و اتومبیل و شیمی و الکترونیک و برق و فلز و غیره است، در آن صورت باید نقشه حساب شده در راه مدتی برای سالم سازی اقتصاد مادرست یک اقتصاد ملی و مستقل تهیه و اجرا گردد. ما خواستار خود کفائی یا قطع رابطه با غرب سرمایه داری نیستیم، ولی ما خواستار رفع مزاحمت سرخرهای دزد و راهزن از اقتصادمان و استقرار روابط با غرب نه بر مبنای باز بودن میدان تحویلات آنها، بلکه بر پایه برابری حقوق هستیم. ما خواستار اقتصاد یکطرفه نیستیم، ولی ما خواستار استفاده از همه امکانات اقتصادی موجود جهانیم.

کشور ما به ویژه باید رؤیا و آرزوی دیرینه صنعتی شدن را به معنای درست کلمه پیاده کند. کشور ما باید کار عظیمی در جهت تربیت کارشناس و کارگران و کشاورزان ماهر انجام دهد. یک کشور مستقل و مترقی بودن کار بازی نیست. سفیدی، کلاه بردار و دغلی مانند محمدرضا میتواند با آن سهولت از تمدن بزرگ دم بزندا تبدیل جامعه ایران به جامعه رشد یافته کاری است طولانی که خرد و سازماندهی و تلاش و وسایل لازم کار و شکیب و سر سختی و مداوم می طلبد و به جهان بینی علمی و داشتن دریافت دقیق در عرصه های مختلف دانش و هنر و فن و صنعت و کشاورزی نیازمند است. متأسفانه تا امروز وظایفی را که انقلاب مشروطیت در برابر داشت یعنی تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی، تأمین آزادی ها و حقوق دمکراتیک حل نکرده ایم و باید حل کنیم.

۶- اگر درست است که ما کشوری هستیم دارای فرهنگ کهن، ولی از جهت اخذ فرهنگ معاصر هنوز دچار کژ راهیهای بسیاریم؛ پس در آن صورت باید سیاست فرهنگی ما بر پایه ای درست بنا شود. ما باید فرهنگ چند هزار ساله خود را بدرستی و موافق اسلوب تحلیل علمی بشناسیم و آنرا به یک اهرم نیرومند روحی حرکت بچلو بدل کنیم. ما در عین حال باید با نهایت احترام و بسیار جدی، فرهنگ بسیار غنی اروپا و آمریکا و دیگر کشورهای جهان را فراگیریم و فرهنگ خود را بسند فرهنگ امروزین جهان با روبرو کنیم. نه مطلق کردن سن شرق و نه لحن گفتن به تمدن غرب هیچکدام چاره ما نیست. طرد در بست فرهنگ غرب از سودمند و ناسودمند بعنوان «غرب زدگی» و قراندان «تجدد» در مقابل تمدن، بر خوردی مفتح نیست. تمدن بسوی همسانی وجهانی شدن می رود. جوی فرهنگ ایرانی نمیتواند باین شط عظیم نبودند. ولی البته باید بارها - ورد خاص خود، سهم نبوغ و آفرینش ویژه خود، وارد کاروان بزرگ انسانی شویم. تجلیل برده و وار گذشته غلط است. نفی گذشته هم غلط است. جبهه سائی در برابر غرب بورژوازی غلط است. ندیدن گوهر مدنیت علمی و فنی و هنری کشورهای رشد یافته نیز غلط است. چرا یا افراط یا تفریط؛ چرا ما قادر نباشیم یک سیاست ترکیبی منطقی برای فرهنگ ایرانی خود در زمینه علم، فن و هنر تنظیم کنیم؟ متأسفانه در اثر خنات قاجار و پهلوی تقریباً باید از نوعی «ساعت صفر» شروع کرد. مسلماً زمینه سازیها شده و ایرانها سخت کوشا راجندید، در زمینه فرهنگ ما، کارهای شایان آفرین و سپاس انجام داده اند، ولی در مجموع چون راه غلط بوده، بقول مولوی: «هنوز اندر خم یک کوچه ایم». در همین جا باید تأکید کنیم که انقلاب ما به کارشناسان بزرگ و کوچک سخت نیازمند است و از دل سرد کردن و رنجاندن و رماندن آنها باید پرهیز نمایم، مگر در موارد معدودی که منافع حاد انقلاب آنرا ضرور و حیاتی می شمرد.

۷- اگر درست است که در ایران شکل حکومت همیشه اشرافی

اخبار کارگری

سندیکای مستقل کارگران خیاب تهران و حومه

یکی از کارگران خیاب زن بنمایندگی از طرف کارگران کارخانه توسن گفت: «من کارگری از کارخانه توسن هستم. من ۲۲ نفر دیگر ساهست که در این کارخانه کار میکنیم. ۱۵ سال است که سابقه کار دارم. در این کارگاه برای جدا کردن ما کارگران از هم، به این خاطر که از هم بی اطلاع باشیم و با هم اتحاد نداشته باشیم، ما را به اطافهای انفرادی برده اند. من با اینکه ۱۵ سال سابقه کار دارم و همچنین دیگر کارگران که سابقه زیادی دارند، هنوز بعنوان کارآموز محسوب میشویم. کارفرما به این طریق برای بیمه و غیره پول کمتری میپردازد ماکه بیشترمان زن هستیم، ۱۲ ساعت در روز کار میکنیم. خواستهای ما بقراردزیرین است:

- ۱- ۴۰ ساعت کار در هفته،
- ۲- لئونو کمزدی،
- ۳- اگر کارگران به میل خودشان روزهای تعطیل کار کنند، دوبراس مزد بگیرند.
- ۴- کارفرما خودسرانه حق اخراج کارگر را نداشته باشد.
- ۵- بیمه کارگران.

کارگران سندیکا تصمیم گرفتند برای گرفتن حق کارگران کارگاه توسن به آنها کمک کنند. آنها حتی تصمیم گرفتند که در صورت لزوم دست به تحصن بزنند. البته تصمیم گرفته شده که ابتدا نماینده‌ای برای حل اختلاف به آن کارگاه بفرستند.

شرکت اپوتیک در جهت کمک به گسترش صنایع داخلی

آنها را بسازد تا بتواند از این طریق دست امپریالیسم را از صنایع ایران کوتاه کند.

- ۲- اقداماتی در جهت تهیه طرح کارخانه قند، سیمان و مس سرچشمه شروع کرده و در مورد مس سرچشمه تا حدود زیادی به موفقیت رسیده و همین روزها قرار داد مس سرچشمه را این شرکت خواهد بست. تا در جهت انجام بقیه پروژه فعالیت کنند. در ضمن مدیرعامل مس سرچشمه از این شرکت بازدید کرده و این بازدید رضایت بخشی بوده است.
- ۳- یک سری از افراد پرسنل متخصص این شرکت از طریق وزارت صنایع و معادن مامور شده اند تا کارخانجاتی را، که یا ملی شده اند و یا مدیریت آن عوض شده اند، سرسامان داده و چرخ این گونه کارخانجات را مثل ماشین سازی اراک

مدتی است که شرکت اپوتیک یک سری فعالیتهای انقلابی را در جهت توسعه صنعت شروع کرده است.

- ۱- اقداماتی در جهت طرح و ساخت قطعات و ماشین آلات کارخانه های نورد لوله، آهن و غیره، که قبلا این قطعات بسا ماشین آلات به خارج سفارش داده میشد، انجام شده است. این شرکت سعی دارد تا آنجا که ممکن است لوازم یدکی لازم این کارخانه را خود طرح کرده و از طریق کارخانجاتی، مثل ماشین سازی اراک

کارگران زن را اخراج کرده اند

کارخانه «ملازمین زرین» سمنان، زنان کارگر خود را، ظاهراً بدلیل نداشتن مواد اولیه اخراج کرده است. تعداد این کارگران ۲۵ نفر است. کارفرمای فعلی، که بعد از پیروزی انقلاب از تهران بجای کارفرمای قدیمی کارخانه آمده و به ادعای خودش در مالکیت کارخانه سهمی ندارد و فقط ۷ هزار تومان از صاحب کارخانه پول میگیرد، زنان کارگر را بیکار کرده است. کارفرما در موقع اخراج به آنها میگوید:

چون مواد اولیه نیست و معلوم هم نیست که چه وقت «مواد» بیاوریم، فعلا کاری با شما نداریم و هر وقت که «مواد» آوردیم، دوباره به سر کارتان برگردید!

این کارگران بیکار در قبال بیکاری اجباری خود، هیچ پولی هم دریافت نمیکنند و سازمان مسئولی هم نیست که از آنها حمایت کند. فعلا دو هفته است که کارگران بیکار شده این دروآن در میزنند و هیچ سازمانی هم جویبگوی دردت آنها نیست. موقع اخراج آنها کارفرما آنها را به استناداری رجوع داده بود، که گویا در استناداری، دولت صندوق وام بیکاری تشکیل داده است.

و اما کارگران مرد این کارخانه، اخراج زنان کارگر را قدمی جدی برای خواباندن این کارخانه میپندارند. کارگران نه نماینده‌ای منتخب خود دارند و نه سندیکائی تشکیل داده اند و اکثراً مسن و کم سوادند، چون کارفرما کارگران باسواد را از چند وقت قبل اخراج کرده و اصلا کارگر جوان استخدام نمی کند.

کارگران با اتحاد خود موفق میشوند

بدنبال اخراج ۱۶ نفر از کارگران یک کارگاه خیاطی، توسط کارفرمای آنها، به این دلیل که عضو سندیکه بودند، (این گزارش در شماره های قبل «مردم» درج شده بود) با کوشش سندیکا و اتحاد کارگران، اولاً کارفرما مجبور شد آنها را به سرکار برگرداند و ثانیاً آنها را بیمه کند. این خبر بار دیگر نشان میدهد که تنها راه برای اینکه کارگران به حقوق صنفی خود برسند، تشکیل در سندیکائی واقعی کارگری است.

گسترش ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن اقدامیست در سمت استحکام پایه های استقلال اقتصادی ایران

شکوهمند دستاوردهای انقلابی مردم مهن ماست.

دول امپریالیستی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، که در تمام دوران اوجگیری جنبش انقلابی، با تمام نیرو به شیوه های آشکار و پنهان از رژیم شاه مخلوع پشتیبانی میکردند و برای سرکوب جنبش انقلابی نقشه های تبهکارانه و شیطانی امحاء میلیونها نفر از مردم کشور ما را طرح میکردند، پس از شکست و عقیم ماندن این نقشه ها، در برابر نیروی سیل آسای جنبش انقلابی و قیام همکسانی خلق، بوسیله بازماندگان رژیم سرنگون شده و عوامل مزدور خود، به تحریک و توطئه و خرابکاری دست زدند و اینکه که همه این تلاشها با ناکامی روبرو میشوند و در برابر پیشرفت روند انقلابی خود را عاجز و ناتوان میبینند، نقشه همانک فشار و محاصره اقتصادی کشور ما را طرح نموده و بمورد اجرا میگذارند. در چنین شرایطی، ابراز حسن نیت از جانب اتحاد شوروی در گسترش روابط حسن همجواری و همکاریهای اقتصادی و فنی با ایران، نشانه گمبانی اصولی سیاست خارجی این کشور سوسیالیستی در رابطه با انقلابهای مردمی و ضد امپریالیستی است. پشتیبانی و دفاع از دستاوردهای انقلابی و کمک به استحکام نهادهای سیاسی و اقتصادی این خلقها از جانب اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی موجب تقویت مواضع سیاسی و اقتصادی آنها در مبارزه علیه امپریالیسم و فشارهای سیاسی و اقتصادی آن میگردد.

توسعه و تقویت روزافزون بنیه اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که بر امکان همکاری اقتصادی و کمک های فنی این کشورها به کشورهای نواستقلال و در حال رشد مینماید عامل مؤثری است برای پیروزی کشورهای نواستقلال در جهت رهایی کامل از وابستگیهای اقتصادی به دول امپریالیستی. در نتیجه پیدایش همین امکانات است که جنبش کشورهای غیرمتحد، در بسازسازی مجموعه نظام روابط اقتصادی بین المللی اصرار میورزد و خواستار دگرگونی بنیادی این نظام بر اساس برابری حقوق کامل، نفع متقابل و عاری از هرگونه شرایط سیاسی است.

منافع مردم مهن ما و پیشرفت و تعمیق روند انقلاب در مهن ما ایجاب میکند که دولت جمهوری اسلامی ایران از آمادگی و حسن نیت کشور بزرگ همسایه شمالی ما برای گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی استقبال کند و بنوبه خود از این امکانات نفع استحکام استقلال سیاسی و اقتصادی مهن ما و گسترش مناسبات دوستانه بین خلقهای دو کشور هر چه بیشتر استفاده نماید.

چهاردهم مرداد ماه پروتکل مربوط به توسعه تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان تا میزان یک میلیون و نهصد هزار تن در سال، از طرف مدیر عامل شرکت ملی ذوب آهن ایران و رئیس اتحادیه سراسری صادرات صنایع سنگین اتحاد شوروی به امضاء رسید. تولیدات این مجتمع بزرگ صنعتی بزودی بمرز دو میلیون تن نزدیک خواهد شد.

طبق طرح اولیه، گسترش ظرفیت تولیدی این مجتمع صنعتی تا شش میلیون تن در سال پیش بینی شده است. طی مذاکراتی که در زمینه مطالبات پیشین اتحاد شوروی از ایران بعمل آمده، اتحاد شوروی، گنشتهای قابل ملاحظه ای در مورد این مطالبات نمود و با تخفیفات کلی نفع ایران موافقت کرد. امضای پروتکل مربوط به توسعه تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان به افسانه سودآور نبودن این مجتمع صنعتی مادر، ساخته و پرداخته نیروهای که تلاش داشتند و دارند تا روابط اقتصادی و همکاریهای صنعتی و فنی ایران با اتحاد شوروی را با روابط غیر برابری و تحمیلی دول امپریالیستی با مهن ما همسنگ جلوه دهند و در نتیجه اهداف و پی آوردهای سیاست نواستعماری امپریالیسم رادر سایه قرار دهند، پایان بخشید.

برغم این افسانه پردازیها، همکاری اقتصادی و فنی اتحاد شوروی با ایران به پیشرفت مستقلانه اقتصادی و صنعتی و گسترش نیروهای مولد و اعتلای سطح تکنولوژی معاصر در کشور ما مساعدت میکند و پایه های عینی و مادی را جهت استقلال اقتصادی کشور بوجود میآورد و این امر واقعیه بلاواسطه ایست در راه توفیق در مبارزه ضد امپریالیستی و رهایی کشور از وابستگیهای اقتصادی به انحصارات امپریالیستی.

همکاری اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با کشورهایی که در راه استقلال سیاسی و اقتصادی خود مبارزه میکنند و اهرمهای وابستگی به امپریالیسم را از سر راه پیشرفت خود بر میدارند، امکانات تحمیل سیاست استعماری و نواستعماری انحصارات امپریالیستی را بر کشورهای در حال رشد محدود میسازد.

از سوی دیگر، توافق در مورد گسترش ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن، بر زمینه سیاست و روشهای دول امپریالیستی نسبت به ایران پس از پیروزی انقلاب، اهمیت ویژه ای کسب میکند و شاخص برجسته دوسیاست مختلف و دوبرخورد متفاوت نسبت به انقلاب

مرك دلخراش يك كارگر

چندی پیش در کارخانه «کره باهداد» اتفاق ناگواری رخ داد. جریان از این قرار بود، یکی از کارگران با اینکه روز جمعه بود و روز تعطیل، در سردخانه این کارخانه مشغول کار بود. در این سردخانه بسته های کره ۲۵ کیلوگی طبق قانون بایستی که در ۱۳ ردیف از پائین به بالا چیده شود. اما بر خلاف قانون و برخلاف امکانات سردخانه تا ۲۵ ردیف بسته های کره ۲۶ کیلوگی چیده شده بود. و این کارگر هم مشغول چیدن قالیهای کره بود که ناگهان دو عدد از قالیهای کره ۲۵ کیلوگی از بالا بروی این کارگر سقوط میکند و بلافاصله باعث متلاشی شدن مغز او میشود.

بطور کلی کارگرانی که مسئول پیاده کردن و بالا بردن بار هستند، در این کارخانه بیمه نیستند و بطور ثابت و دائمی کارفرما آنها را استخدام نمیکنند. اغلب این کارگران باربر کسانی هستند که از روستاها به علت وضع نابسامان خود مهاجرت کرده اند. این کارگر هم یکی از آن کارگران بود که از روستائی از توابع «میانه» برای کار کردن به تهران آمده بود. این کارگر نامش «کریم غفاری» و دارای ۴ فرزند بود، صاحب کارخانه گفته است که خرج خانواده او را خواهد پرداخت.

کارگران چای سندیکای خود را تشکیل دادند

کارگران جای برای ایجاد سندیکای واقعی، روز چهارشنبه ۵۸/۴/۲۷، در محل خانه کارگر، حضور یافتند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کردند. در این انتخابات، از اینکه افراد کمتر از ۲۵ سال نمیتوانستند بعنوان نماینده انتخاب شوند؛ کارگران اظهار ناراضی کردند. در سخنرانی به ایجاد سندیکای واقعی و چگونگی کار آن اشاره شد. و نیز در مورد وظایف نمایندگان و مسؤلیتی که بهمهده میگیرد، تاکید بعمل آمد. این کارگران که در بازار با شرایط بسیار دشوار محیط کار و دستمزد ناچیز روبرو هستند قبل از انقلاب به علت کم کاری نمایندگان سندیکای قبلی و عدم فعالیت بسود آنها، حتی از خواستن و بزبان آوردن حقوق خود بیم داشتند، چه رسد به اینکه به انتظار عمل آنها بنشینند. بهمین خاطر از اقدام برای ایجاد سندیکای واقعی و رسیدن بحقوق قانونی خود با شور و اشتیاق بی نظیر استقبال کردند. کارگران جای برای عضویت و شرکت در این سندیکا از دیگر کارگران، که در این سندیکا شرکت نکرده اند، دعوت بعمل آوردند.

توضیح: این سندیکای کارگران جای مربوط به کارگرانی است که در بازار مشغول بسته بندی و انواع و اقسام کارهای دیگر مربوط به جای هستند.

در شرکت باتلر - کالورن

شده و جلوی استفاده های خصوصی تعدادی از مهندسين و کارمندان شرکت از وسائل نقلیه گرفته شده است. در شوراى کارکنان شرکت باتلر - کالورن کماکان هیچک از ارانندگان و خدمه شرکت مزبور عضویت ندارند.

کارگران کارخانه صادراتی امید اجرای بخشنامه وزارت کار را می خواهند

طبق بخشنامه ای که از وزارت کار به تمام مراکز کار داده شده است، و در روزنامهها نیز چاپ شد، حداقل حقوق کارگران تعیین شده است و کارفرمایان طبق این بخشنامه مکلفند که این قانون را از اول سال ۵۸ بمورد اجرا گذارند. طبق این بخشنامه کارفرما باید این مبلغ را بحقوق کارگران اضافه کرده پرداخت نماید. در کارخانه صادراتی امید، واقع در خیابان رزم آرا، کارفرما از پرداخت این قسمت از حقوق حقه کارگران امتناع میورزد و باعث ناراحتی کارگران شده است. با اینکه نماینده وزارت کار، کارفرما را ملزم به پرداخت حقوق کارگران کرده، با این وجود کارفرما از پرداخت حقوق کارگران بنا به دلیل واهی «پول ندارم» خودداری کرده است. اما کارگران مصمم هستند که این حقوق خود را دریافت کنند

گوشت بجای قصابی، به سوپر مارکت عرضه میشود

طبق اخبار و تحقیق های متعددی که بعمل آمده، اخیراً مشاهده میشود که بسیاری از قصابان جنوب شهر سهمیه گوشت دریافتی را، که باید جهت مصرف اهالی زحمتکش در مغازه های قصابی بفروش برسانند، با کم کردن مقدار

گوشت در مغازه ها و جمع آوری مقدار زیادی از این گوشتها، آنها را به قیمتهای گران به سوپر مارکت ها عرضه میکنند. مثالیکی از واسطه ها، گوشتی را که باید به مشتری به مبلغ ۱۶۵ ریال عرضه شود، به قیمت ۱۹۰ تا ۲۵۰ ریال به سوپر مارکت ها عرضه میکنند. بدین طریق عملاً به نارضایتی مردم دامن زده میشود.



حل مشکل مسکن در گرو برنامه ریزی و سرمایه گذاری دولتی است

رویدادهای جهان

تهدید و دروغ علیه افغانستان

سوسیالیستهای پاکستان اعلام کردند که تبلیغات و هیاهوی روزنامه‌های ارتجاعی پاکستان و کشورهای غربی درباره افغانستان سراپا تهدید و دروغ و نیرنگ است. ارگان سوسیالیستهای پاکستان در مقاله‌ای نوشت که محافل مرتجع پاکستان گستاخانه ادعا میکنند که حکومت خلقی افغانستان با اسلام مخالف است هنگامیکه دولت کابل در دفاع از آرمان ملت عرب با رژیم سادات قطع رابطه کرد، این محافل در این مورد سکوت کردند.

ارگان سوسیالیستهای پاکستان اضافه کرد که مردمی برده‌اند که اسلام را ستین آن چیزی نیست که ارتجاع پاکستان ادعا میکند، بلکه در حقیقت حکومت انقلابی تره کی، با صدور فرامین مربوط به نابودی فئودالیسم و استثمار زحمتکشانش، با روح اسلام موافق است.

روزنامه پرآوا نیز در ارتباط با حوادث اخیر کابل اعلام کرد که مزدوران ضد انقلابی تلاش کردند که عده‌ای از سربازان را علیه قدرت خلق و ادب باطنیان کنند، اما در دم شکسته شدند.

ارتجاع و کاهش تشنج

یک عضو برجسته کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه و نماینده پارلمان اروپا، در مقاله‌ای در پرآوا، ضمن تاکید بر اهمیت معاهده «سالت ۲» نوشت که در فرانسه محافل ارتجاعی تلاش میکنند که اهمیت معاهده را ناچیز جلوه دهند و بیشتر روزنامه‌ها نیز، که وابسته به محافل حاکمه‌اند، در مورد اهمیت معاهده «سالت ۲» سکوت میکنند.

این مقام برجسته حزب کمونیست فرانسه اضافه کرد که محافل حاکمه فرانسه در مورد به اصطلاح «تهدید شوروی» و دفاع از حقوق بشر، در کشورهای سوسیالیستی، هیاهو برافراشته‌اند و از هر دستاویزی برای سد کردن پیشرفت بسوی تشنج زدائی واقعی استفاده میکنند.

اعتصامهای کارگری در انگلیس

به گزارش خبرگز اریها، کارگران بخش بزرگی از واحدهای صنعتی انگلیس دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب، بنا به یک گزارش، حدود دویست و بیست کارگر شرکت کردند. که از فشار هزینه زندگی بجان آمده‌اند، خواستار افزایش حداقل دستمزد و ۲۹ ساعت کار در هفته هستند. کارگران به دولت محافظه کار مبارکات تاچرا اخطار کردند که اگر به این تقاضاها ترتیب اثر داده نشود، تمام دوشنبه‌های هفته‌های آینده دست از کار خواهند کشید.

اعتراف صریح مشاور کارتر

برژینسکی، مشاور کارتر در امور امنیت ملی، گفت که امریکا از دوسال پیش تشکیل نیروی واکنش سریع را آغاز کرده است تا بتواند از منافع خود در مناطق بحرانی جهان دفاع کند. برژینسکی در گفتگویی با هفته‌نامه آلمانی «اشپیکل» اضافه کرد باید هر موقع که لازم باشد، آماده بکار گرفتن این نیرو شد. مشاور کارتر گفت که امریکا باید نقش برتر خود را در پیمان نظامی ناتو حفظ کند.

افزایش همکاری امپریالیستهای امریکایی با فاشیستهای شیلی

به گزارش تاس، همکاری صاحبان صنایع و محافل مالی امریکا با دارو دسته نظامی شیلی در حال افزایش است. «بانک آف امریکا»، که بزرگترین بانک جهان سرمایه‌داری است، اعلام کرد که در اس سندیکایی از بانکها، یک وام ۳۵ میلیون دلاری دیگر در اختیار شیلی قرار خواهد داد. مطبوعات امریکایی گزارش دادند که بعد از کودتای فاشیستی در شیلی، بانکهای امریکا حدود یک میلیارد دلار به رژیم این کشور وام دادند. هدف از اعطای این وامها، ادامه غارتگری و چپاول هر چه بیشتر ثروتهای مردم است.

نمونه‌ای از همبستگی سوسیالیستی

همکاری کشورهای سوسیالیستی، برخلاف جهان سرمایه‌داری، بر اساس روح برادری و کمک متقابل استوار است. روزنامه «رود پرآوو» ارگان حزب کمونیست چکسلواکی، مینویسد که این کشور نفت خام خود را به بهانه‌ای حدود شصت درصد بهای بین‌المللی از شوروی دریافت میکند. به نوشته این روزنامه، چکسلواکی در سال جاری، ۱۸/۳ میلیون تن و در سال آینده ۱۸/۸ میلیون تن نفت از شوروی دریافت خواهد کرد.

همکاری نزدیک جاسوسان مصر و اسرائیل

در پی همدستی رژیم سادات و اسرائیل علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و قتل زهیر محسن، همکاری جاسوسان مصر و اسرائیل افزایش یافته است. به گزارش روزنامه کویتی «الوطن»، جاسوسان مصر و اسرائیل، در ستاد فرماندهی فلاترستها در لبنان، تشکیل جلسه داده‌اند. هدف از این دیدار اتخاذ سیاستهای مشترک از طرف سازمانهای جاسوسی دو کشور بوده است. جاسوسان مصری قول داده‌اند که محل اقامت رهبران برجسته فلسطینی را در اختیار عوامل اسرائیل قرار دهند.

که چشم به دریافت اجاره بهای مسکن دارند، از اجاره‌این واحدها به خانواده‌های ایرانی، که قادر به پرداخت کرایه‌های گران نیستند، امتناع میکنند.

در شرایطی که صدها هزار خانوادۀ زحمتکش در خانه‌های گلی و کلبه‌ها و زغاه‌های غیر قابل زیست، بسر می‌برند، شرط انصاف نیست که دولت در مورد صاحبان دهها هزار خانه خالی قسط به توصیه اکتفا کند. ماطر فدار آیم که از سرمایه‌داران و مالکان بزرگ صاحب خانه و آپارتمان، باید سلب مالکیت شود این خانه و آپارتمانهای کثیر به زحمتکشانش بی‌سرپناه داده شود، در عین حال معتقدیم که این اقدام، اگر چه میتواند درد را در حد معین التیام بخشد، ولی بمعنای حل مشکل مسکن نیست.

راه دیگری که برای حل مشکل مسکن در نظر گرفته شده، جمع‌آوری اعانه و خانه‌سازی برای طبقات مستضعف است، که اجرای این تصمیم در زمان قطعی ددد نیست. اقدام دیگر دولت پرداخت وام مسکن است، که شرایط آن از مرحله گذاشتن ودیعه تا پرداخت اقساط، هیچکدام در چارچوب امکانات طبقات و قشرهای کم درآمد نمی‌گنجد. زیر کارگری که حداقل دستمزدش اخیراً ۱۷۰ تومان تعیین شده، نمیتواند و ودیعه ۱۰ هزار تومان بی‌الانزد مالک بگذارد و نه اقساط بازپرداخت وام را بپردازد. بنساین فقط اقشار متوسط قادر به استفاده از این وامها خواهند بود.

حل مشکل مسکن نیاز به برنامه‌ریزی دولتی درازمدت و دقیق علمی و سرمایه‌گذاری وسیع دولتی دارد، تا هماهنگ با افزایش جمعیت، خانه‌سازی شود و در قبال مال الاجاره متناسب به خانواده‌های فاقد مسکن واگذار گردد. همۀ خانواده‌ها باید مسکن درخور داشته باشند و این کاری نیست که اجرای آن از طریق واگذاری وام مسکن و یا جمع‌آوری اعانه امکان پذیر باشد.

● در این روزها باز اشعار متعددی دریافت کرده‌ایم. ح. مشتاق از شیراز، ضمن ابراز امید که به سهم خود برای نیل با اهداف حزب طبقه کارگر کوشش کند، شعری فرستاد در باره فرا رسیدن صبح و فصل آزادی و اینکه «درون میسوزد و خون سرخ رفیقان که می‌جوشد» دوست عزیز پیراهون شعرتان توضیح خواسته‌اید، بدن نیست، مطالبی که در مورد همه دوستان با استعداد و شاعریکه برای «مردم» شعر می‌فرستند، نوشته‌ایم بار دیگر مراجعه کنید. م. ح. ف. اولین شعری را که در زندگی خود گفته، برای ما فرستاده، که البته مانند اکثر کارهایی که برای بار اول انجام می‌گیرد، خالی از نقص نیست، ولی سرشار از احساس و اندیشه است. در آن منجمله چنین می‌خوانیم: «سخن از اتحاد زرف باید گفت/ سخن از جبهه خلق است». بغض دانش آموز، شعری زیر عنوان «در رزم» سروده است، بنوشته خودش برای «مردم» و «مردم» نویسان. با تشکر. پروین ته از تهران سلامی دارد به رفیق توده‌ای. او به یاور زحمتکشانش، به رهروی راههای سخت، به مظهر فریاد ستمکشانش درود می‌فرستد. ح. ی. شعر بلندی فرستاده زیر عنوان «به تورای میدهم»، که آنرا بر رفیق احسان طبری تقدیم کرده و در آن از نوشته‌ها و اشعار خود رفیق طبری الهام جسته است، و می‌گوید: «راهکنای ما بودی/ با اندیشه روشن، با سخن شیوایت، بسا نوشته دلگشت» و ادامه میدهد: «ومن باز همچنان/ شیفته راه تو/ در تکاپوی، سازندگی فردا/ رأیم را به تو میدهم». با تشکر از همه دوستان.

● م. موحد نامه‌ای برای «مردم» نوشته تا سخنش باطالع همه مردم برسد، از این قرار:

چند بار در «مردم» از امانت داری اعضاء حزب خواندم که بیان کنند شرافت و امانت آنها بود. میخواستم موردی را هم، که خود شاهد آن بودم، ذکر کنم که همین امانت داری عجیب است با توده‌ای بودن.

در مراسم بزرگ داشت قهرمان ملی مان خسرو روزبه، در بهشت زهرا، عکسهای او را میفرخواستیم. دختر خانمی عکسی خرید و چون عکسها را بعنوان کمک به حزب میفرخواستیم و قیمت مشخصی اعلام نمی‌کردیم، آن دختر خانم عکس را به ۱۰ تومان خرید، که بعلمت پول خریدنداشتن قرار شد که برود و پول خرد بیاورد، همدیگر را ندیدیم تا چهارشنبه ۱۰ مرداد، که ما مورد انتظامات در دانشگاه تهران هنگام سخنرانی رفیق طبری و دیگر کاندیداهای حزب برای مجلس خبرگان بودم. دختر خانمی جلو آمد و ۱۰ تومان بمن داد و گفت: پول پوستری است که در مراسم بزرگداشت روزبه خریدم. من از اینهمه امانت داری و انسانیت مات ماندم و شاید هم نتوانستم تشکر بکنم. حالا میخواهم شرح این ماجرا هم تشکر باشد از این دختر خانم بوسیله «مردم» و هم تسکیدی دیگر بر اینکه انسانیت و امانتداری عجیب است با توده‌ای بودن.

● علی. ک. در نامه‌ای که برای «مردم» نوشته معتقد است که «نفاق افکنان همپا و همدوش ضد انقلابند». در توضیح این مطلب وی چنین مینویسد:

«روزنامه گرامی مردم ۱ من نیز مانند هزاران تن افراد حزبی و هواداران و دوستان حزب قهرمان توده برای شنیدن سخنرانی اعضاء کمیته مرکزی در چمن دانشگاه جای گرفتم. من آرزو داشتم بویژه سخنرانی رفیق احسان طبری این دانشمند و چامعه شناس برجسته را خوب بشنوم. از آغاز سخنرانی اخلا لکران همیشگی، این جوجه فاشیستها و نوابوگان پرورش یافته مکتب سیا و موساد و ساواک، بکار اخلا ل پرداختند و شعارهای ضد حزبی میدادند، صداها و غریوهای توام بسا سوت گوسش خراش بیرون میدادند. نوبت سخن بر رفیق طبری رسید. نوشته‌های پرارج وی که همواره روشنگر و آگاه کننده و توام با دقت علمی و تحقیق واقع‌گراانه است، معروف است. صدای وی نیز رسا و سخنانش گویا و دلنشین و بیدار کننده بود. همگان با گوش دل گفته‌های او نظرات حزب را درباره قانون اساسی، این سند مهم انقلاب بزرگ خلقهای ایران، که با رهبری قاطع و بی‌باکانه امام خمینی به پیروزی رسید، گوش میدادند. هنوز سخنرانی رفیق طبری به نیمه نرسیده بود که ناگهان پخته شدگان ضد انقلاب بسوی کرسی خطابه هجوم آوردند در این تلاشها با هشیاری و تیراندازی هوایی پاسداران تیر آنان بسنگ خورد. حال باید از این نفاق افکنان پرسید که، این حرکات فاشیست گونه را برای چه پراه میانند؟

آیا گمان میکنید که میتواند در راه حزب توده ایران و اتحاد و پیوستگی خلقهای ایران سنگ بیانند؟ اگر چنین خیالی دارید، چه فرقی و تمایزی با ضد انقلاب دارید؟ از این کار ننگتان نیست که دسیسه‌های ضد انقلاب را بگونه‌ای دیگر بکار بندید؟ مگر نمی‌بینید که دشمنان ایران و دست پروردگان و جیره‌خواران امپریالیسم آمریکا و دست پروردگان رژیم دژخیمی «محمد رضا شاهی» چه گفته‌ها و آشوبهایی در گوشه و کنار کشور برافراشته‌اند تا به خیال خود انقلاب ما را نازا سازند و نکذارند در مرحله سازندگی موفق گردد؟ خوب است بعقب برگردید و کمی به مسیر گذشته حوادث و وقایع انقلاب خونین و پیروزمند مردم ایران بنگرید. آیا رهائی

از ستم و غارتگری امپریالیسم و دست نشانده‌گان وی برای شما ارزشی ندارد که بدینسان میخواهید آزادی و استقلال گران بدست آمده را با سانی از دست بدهید؟ کمی بخود آئید و اگر بنام ایرانی، دوست مردم ایران نیستید. در صف دشمنان وی نیز جای نگیرید» ● رفیق عزیز ما هادی سابقه فعالیتهای خود را نوشته و از شرکت در مراسم ۳۰ تیر نیز سخن گفته است. دوست عزیز! میدانید که «مردم» بمراتب بیش از آن نامه دریافت میکند که بتوان در ستون مردم و «مردم» همه آنها را منعکس کرد. دوستان قدیمی‌تر و با تجربه‌تر قاعدتاً از خود تقاضا بیشتری در این مسئله بخرج میدهند و هرگز عدم انتشار نامه را بحساب «کهنه بودن و دل آزار بودن» نمی‌گذارند. در اینجا اصل صحبت از فراموشی نیست با کمال تأسف باید اعتراف کنیم که بسیاری از نامه‌ها بدون انکمکی میماند و بقیه هم بناچار بسیار خلاصه میشود. امیدواریم دلگیر نشوید و بازم به همکاری با «مردم» ادامه دهید.

● نامه م. ح. پاسخ شایسته‌ایست به رادیوی لندن، که بلندگوی «چند طوفان»، یعنی بختیار خیانتکار شده. نویسنده نامه از سیاست حزب توده ایران نیز در مورد حمایت از رهبری انقلاب و دفاع از دستاوردهای ضد امپریالیستی انقلاب بزرگ ما دفاع میکند و بختیار و یاران و همفکران آشکار و نهان را، که حزب ما را تجزیه طلب و فاقد قدرت تصمیم‌گیری و مخالف مذهب «غیر» نام گذاشتند تا بآن یورش برند. دروغگو و در برابر تاریخ محکوم میدانند.

حزب توده ایران ...

شئون زندگی اجتماعی بزبان مادری خود تکلم کنند و آداب و رسوم و معتقدات دینی واجتماعی خود را آزادانه و بدون هیچگونه قیدی که از تحمیلات خلقی به خلق دیگر سرچشمه بگیرد، بکار برند.

حزب توده ایران براین عقیده بوده است که ازین رفتن محرومیت‌های ملی خلقهای غیرفارس در ایران تنها در چارچوب مبارزه مشترک همه خلقهای ایران علیه تسلط جنایت‌بار و غارتگر امپریالیسم، علیه استبداد سلطنتی، علیه غارت طبقات چپاولگر حاکم و بویژه بزرگ‌سایه‌داران و زمین‌داران وابسته به امپریالیسم امکان پذیر است. بنظر حزب ما، دراین مبارزه عمومی، مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و استبداد و در مرحله کنونی، مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ضدانقلاب متکی به بقایای رژیم سرنگون شده شاه مخلوع، در درجه اول اهمیت قرار گرفته است.

با اتکاء به این اصول و موضع‌گیری‌های سیاسی، حزب توده ایران، همیشه برآن بوده است که بین هدف‌های حزب طبقه کارگر و جنبش‌های اصیل خلقهای محروم کشور ما برای ازین بردن محرومیت‌های ملی در اساس توافق کامل وجود دارد. از همین رو حزب توده ایران همیشه کوشیده است که با جنبش‌های اصیل خلقهای محروم ایران، بر پایه سیاست و برنامه مشترک، نزدیکترین همکاری را بوجود آورد. حزب توده ایران جنبش‌های اصیل خلقهای محروم میهنمان را برای برانداختن محرومیت‌های ملی جزء تفکیک ناپذیر سه‌جبهه متحد خلق برای ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیسم، نواستعمار، بقایای رژیم استبدادی، تأمین آزادیها و حقوق دمکراتیک و بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان میداند و به این اصل بطور تزلزل ناپذیر وفادار است.

با اتکاء به همین اصول بود که در سال ۱۳۲۴، بر پایه برنامه مشترک، جبهه ائتلافی حزب توده ایران، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان بوجود آمد. و تاریخ نشان داد که تشکیل این جبهه نقش مهمی در گسترش دامنه مبارزات دمکراتیک و ملی درسراسر ایران ایفا کرد.

با اتکاء به همین اصول بود که حزب توده ایران، پس از شکست سال ۱۳۲۵، که منجر به ازهم پاشدگی نیروهای ملی و دمکراتیک در آذربایجان و کردستان گردید، بازم زنده کردن سازمانهای فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان را به عهده گرفت، و حتی پس از آنکه بر اثر توطئه بهمن‌ماه ۱۳۲۷، امکان فعالیت علنی محدود هم از حزب ما گرفته شد، حزب توده ایران همه نیروی خود را در این راه بکار برد. این کوشش حتی در دورانیکه سازمانهای حزب ما در ایران متلاشی شد و مرکز فعالیت حزب به مهاجرت انتقال یافت، ادامه یافت.

بر پایه همین اصول و برخورد علمی به تشکیل انقلابی نیروهای پیشکام طبقه کارگر است که حزب توده ایران همیشه هوادار وحدت سیاسی و سازمانی کلیه نیروهای ملی بوده و هست که، صرف نظر از وابستگی به خلقهای گوناگون درسراسر ایران، هوادار راه طبقه کارگر، آماده برای شرکت در حزب طراز نوین طبقه کارگرند.

در تمام این دوران، نظر حزب توده ایران این بود که وحدت و بهم آمیختگی حزب توده ایران با فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان در یک حزب واحد سراسری طبقه کارگر ایران، درست‌ترین و بهترین راه حل برای تمرکز فعالیت همه نیروهای انقلابی در جهت هدفهای واحد و مشترک است.

در نتیجه کوشش طولانی، بالاخره امر وحدت حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در کنفرانس وحدت، در ۱۳۳۹، بطور موفقیت‌آمیزی سرانجام یافت. این امر در همان زمان مورد تأیید بسیاری از مبارزان کرد قرار گرفت که با درصوف حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان فعالیت میکردند و یا در خارج آن، در جبهه متحد انقلابی ضد رژیم شاه و امپریالیسم قرار داشتند. محتوی اساسی آن موافقت و این تأیید، این بود که درسراسر ایران، حزب فرآگیر طبقه کارگر، با نام حزب توده ایران باشد و در آذربایجان و کردستان سازمانهای ایالتی حزب توده ایران، با نام فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان فعالیت کنند.

متأسفانه برخی از دوستان کرد، از همان آغاز تجدید فعالیت، تحت تأثیر انحراف مصطفی بارزانی و عوامل خارجی دیگر سمت گیری نادرستی را در سیاست داخلی و عمومی خود اتخاذ کردند و به موافقت در جهت تشکیل حزب واحد سراسری طبقه کارگر ایران، آنطور که در بالا گفته شد، پشت پا زدند و چه در سالهای فعالیت در مهاجرت و چه پس از سرنگونی رژیم استبدادی محمد رضا پهلوی و آغاز فعالیت علنی، راهی را برگزیدند، که در سمت گیریهای عمده، باراهی که حزب توده ایران در آن دوره و در لحظه کنونی درست میدانسته و میدانند، اختلافات جدی داشته و دارد.

تمام کوشش ما برای یکی کردن سمت گیریهای عمده در عمل سیاسی و گام گذاردن در راه وحدت سازمانی دو حزب، با کمال تأسف ما، به نتیجه‌ای نرسید.

اکنون حزب توده ایران در مقابل این واقعیت قرار گرفته است که از یکسو کردستان ایران بصورت یکی از حساس‌ترین مناطق کشور درآمده، که در آن عوامل گوناگونی وارد میدان نبرد سیاسی شده‌اند و وضعی بوجود آمده است که هر روز بنرینتر میشود. از سوی دیگر این ضرورت هر روز بیشتر احساس میشود که نظریات حزب توده ایران بطور منظم در میان خلق کرد انتشار یابد و نیروهای انقلابی، که برنامه، سمت گیری و موضع گیری سیاسی حزب را تأیید میکنند، برای ترویج بیشتر آنها میان مردم مجهز و متشکل شوند. در ارتباط با این واقعیت و این ضرورت، کمیته مرکزی حزب

مقدمه

داغ کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد هنوز بسر دل انقلابیون ایران تازه است. مبارزین انقلابی ایران، در هر گامی که برمیدارند، بخود هشدار میدهند که مبادا ۲۸ مرداد دیگری در کمین باشد. این هشدار، اگر به قصد تحلیل درست تاریخ و تجربه‌اندوزی از آن انجام گیرد، سودمند و ضروری است. مردمی که برای تسخیر دژ استبداد وابسته به اجانب چنین بهای سنگینی پرداخته‌اند، حق دارند نگران باشند. از کودتای خائنانه انوشیروان «عادل» علیه جنبش انقلابی زحمتکشان ایران برهبری مزدگرفته تا کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد و «تمدن بزرگ» شاهنشاهی، چه ظلم‌ها که بر این مردم ستم‌دهنده نرفته است.

سخن تنها بر سر مارگزیده کافی نیست، که از پریسمان سفید و سیاه بترسند. عمال امپریالیسم و ارتجاع در واقع با تمام قوا مشغول توطئه‌اند. و با اینکه قدرت مردم بیدار و متحد ایران بکرات بر توطئه‌گران میچربد، لحظه‌ای غفلت کافی است تا ضربه‌ای کاری به جنبش وارد آید. باید هشیار بود. باید از تجربه غنی تاریخ - و در این مورد خاص از تجربه تلخ ۲۸ مرداد - آموخت.

متأسفانه طی ۲۶ سالیکه از کودتای ۲۸ مرداد میگذرد، بجز حزب توده ایران، هیچ سازمان سیاسی دیگری به این حادثه تلخ تاریخی و به نقشی که خود در آن داشته جدی برخورد نکرده و امروز هم بسیاری از «هشدارها» در واقع برای پندآموزی نیست.

جبهه ملی ایران در زمان مصدق از هم پاشید و اکثر رهبران آن به سنگر دشمن پیوستند. برخی از کسانی هم که خود را وارث این جبهه اعلام میکردند، پس از ۲۸ مرداد روشی بینهایت غیر مسئول پیش گرفتند و جز انتشار آگاهی تبلیغاتی و رکلام در باره شخصیت مصدق، بقصد سوء استفاده از آن بعنوان سرمایه مجازی سیاسی، کاری انجام ندادند. هر بار هم که پای حساب بمیان آمد، همه گناهان را بگردن حزب توده ایران انداختند و مدعی شدند که، حزب توده ایران قدرت آنرا داشت که مصدق را حفظ کند و نکردا چنین برخوردی لاف اقل عجیب است. کسانی که برس کار بودند - و یاد قیقت بگوئیم، بخش قابل ملاحظه‌ای از قدرت حاکمه را داشتند - از خودشان انتقاد نمیکنند که، چرا قادر و یا حتی مایل به دفاع از حاکمیت خویش نبودند، بلکه از سازمان سیاسی دیگری - که آنرا رقیب خود میدانستند و همواره سرکوب میکردند - انتقاد میکنند که، چرا از نیروی که علیه‌هم ما و در زیر ضربات ما جمع کرده بودی، برای حفظ ما استفاده نکردی؟!

برخورد غیر جدی این گروه از ارباب سیاست، که خود را وارث جبهه ملی میدانند، به جنبش ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد، تنها از روی تبراجویی نیست. سیاستمدارانی که خود را به جبهه ملی میبندند، در واقع هنوز هم در همان مواضع قرار دارند که قبل از ۲۸ مرداد قرار داشتند. طی ۲۶ سالیکه از کودتا میگذرد، همان سیاست غلطی را دنبال کرده‌اند که منجر به ۲۸ مرداد شد. انتقاد نکردن آنها در گذشته از خودشان، لجاجت‌های کودکانه نیست، روشی حسابگرانه است. آنها هنوز هم بدنبال آند که دشمنی خود را با کمونیسم بهای مناسبی در بازار جهان سرمایه عرضه کنند.

ده دوازده سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، گروهک‌های مائوئیستی و عناصر مشکوکی با این ادعا به میدان آمدند که گویا تاریخ جنبش ملی شدن نفت و همه جنبش انقلابی معاصر ایران را از موضع به اصطلاح چپ «بررسی» میکنند. اما برای اینان تاریخ جنبش چیزی جز دستاویز اثبات «تئوری»های آزیب ساخته نبود. آنان کوشیدند زخم ۲۸ مرداد را عمیق تر کنند، تعم یاس بکارند، نیروی جوان را از نبرد کار ساز علیه امپریالیسم و ارتجاع بازدارند و به کوره راه بکشانند. این حضرات با این استدلال مسخره که «امپریالیسم امریکا شناخته شده و نیازی به افشاء آن نیست» ،

توده ایران به این نتیجه رسیده است که، فعالیت سازمانی حزب توده ایران را در کردستان ایران آغاز کنند.

کمیته مرکزی، از همه هواداران حزب در کردستان ایران انتظار دارد که تمام ابتکار و نیروی خود را برای متشکل کردن گروهها و افراد پراکنده حزبی در سازمانهای پایه‌ای، برای پخش برنامه پیشنهادی حزب، برای تشکیل جبهه متحد خلق، برای توزیع نشریات مرکزی حزب بزبان کردی و فارسی، برای روشن کردن خلق کرد بهدفعهای حزب توده ایران بکاراندازند.

حزب توده ایران با اعتقاد کامل بدرستی پیشنهاد خود برای وحدت سیاسی و سازمانی همه نیروها و سازمانهای انقلابی، که خود را هوادار راه طبقه کارگر میدانند، در آینده نیز، مانند گذشته، از هیچ کوششی برای تحقق این وحدت فروگذار نخواهد کرد و همیشه آماده است در باره همه مسائلی که با این امر مهم و حیاتی برای جنبش کارگری و تمام جنبش انقلابی ایران ارتباط دارد، با همه مبارزان و سازمانهای مبارز راستین راه طبقه کارگر، وارد تبادل نظر گردد و برای از میان برداشتن سدهائی که بر سر این راه قرار گرفته، با آنان، بر پایه توافق های مشترک، همکاری کند.

پیروزی مبارزه مشترک همه مردم ایران در راه استقلال ملی، تثبیت آزادیهای دمکراتیک، بهبود زندگی زحمتکشان و برانداختن همه محرومیت‌های ملی در چارچوب خودمختاری اداری و فرهنگی، مستحکم باد اتحاد همه خلقهای ایران در مبارزه مشترکشان علیه دسیسه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و توطئه‌های ضدانقلاب!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۰ مردادماه ۱۳۵۸

تجربه ۲۸ مرداد

«بوردوازی سازشکار است و انتظاری از آن نداریم»، هم امپریالیسم و هم عناصر سازشکار رازیر چتر حمایت گرفتند و تمام آتش کوبته و نفرت خود را متوجه حزب توده ایران کردند. اینان کوشیدند ضعف‌های جنبش را، که ۲۸ مرداد منجر شد، بیوشانند و جنبه‌های مثبت جنبش را، که در صورت تقویت به پیروزی میانجامید، بکوبند. مقصود از این نوع باصطلاح «بررسی» ادامه هدفهای کودتای ۲۸ مرداد و خدمت به این هدفهاست.

خواهند گفت که کسانی از روی کمال حسن نیت و تنها از روی ناآگاهی تاریخ نهضت و انقلاب ایران را از دریچه ضدتوده‌ای مینگرند. سخنی نیست. تالانگری ضد کمونیستی امپریالیسم و ارتجاع ایران، که ۲۶ سال مداوم با تمام وسایل، از «چپ» و راست دنبال شده بی اثر نمانده و نمیتوانست بی اثر بماند. بسیاریند کسانی که حتی به روزنامه‌های عادی دوران جنبش ملی شدن نفت دسترسی ندارند و فقط از روی شیده‌ها و وشایعه‌ها قضاوت میکنند. ما اینان را هرگز در صف دشمن نمینگذاریم. ولی معتقدیم که محک صداقت، جستجوی حقیقت است. آنکه صادق است، نباید شایعه را با آغوش باز پذیرا شود.

در سالهای دشوار مبارزه ضد رژیم، برخی از مبارزین انقلابی نیز کوشش‌هایی برای شناخت تجربه جنبش بکار برده و نوشته‌هایی تهیه کرده‌اند. از آنجمله است اثر شهید بیژن جزینی بنام «تاریخ سی ساله ایران» و شهید حسن ضیاء ظریفی بنام «حزب توده ایران و کودتای ۲۸ مرداد». این نوع نوشته‌ها قبل از هر چیز از محدودیت امکانات نویسندگان حکایت میکنند. آنان متأسفانه به مدارک و اسناد عادی روزمره دسترسی نداشته‌اند. حسن ضیاء ظریفی، با آنکه باندیشه‌های سالمی دست یافته و نکات جالبی را بیان کرده، ولی ایکنش امکان و فرصت بیشتری میداشت و میتواند از محدودیت بحث پیرامون حزب توده ایران فراتر رود و جهان فراختری را بنگرد.

تنها برخورد جدی به جنبش ملی شدن نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد، چنانکه گفتیم، از جانب حزب توده ایران انجام گرفته و هیچ کس به آنچه که، بیست سال پیش، حزب توده‌ای ما، در چهارمین پلنوم کمیته مرکزی خود گفت و در اسناد و نوشته‌های حزبی منتشر شد، چیزی نیفزوده است.

اینجا و آنجا کسانی کوشیده‌اند طفیلی وار از تحلیل حزب ما تغذیه کنند و سپس آنرا با کلمات مد روز، از نوع «اپورتونسم تاریخی» و غیره بیامیزند و به اصطلاح چیز تازه‌ای عرضه کنند. اما اینگونه کارها، بررسی نیست و ارزش بحث ندارد.

کودتای ۲۸ مرداد، حادثه‌ای که در یکروز تدارک شده و به انجام رسیده باشد، نیست. این کودتا جمع بست مبارزه ۱۲ ساله (۱۳۲۰-۱۳۳۲) اجتماعی - سیاسی در جامعه ایران و بمعنای محدودتر جمع بست جنبش ملی شدن نفت است. برای اینکه به عمق این حادثه دست یابیم و از آن برای نبرد امروزین پند بگیریم، باید این مبارزه بسیار بغرنج و پرفراز و نشیب را بدقت یکپوری کنیم و تقییر تناسب نیروها را در طول مبارزه بررسی کنیم و به بینیم، چطور شده که در ۲۸ مرداد نیروی ارتجاع و امپریالیسم بر نیروی انقلاب چربید؛ چرا حکومت مصدق بجائی رسید که نتوانست از خودش دفاع کند؛ چرا، آنطوریکه عده‌ای ادعا میکنند، شمشه عمر حکومت مصدق بدست حزب توده ایران افتاد؛ و آیا واقعاً چنین بود؛ اگر پاسخ مثبت باشد، چه نتایجی بر آن مترتب خواهد بود؛ و امروز چه پندی باید از آن آموخت؟

در نوشته کوتاهی که به خوانندگان تقدیم میکنیم، مجال آن نیست که این مسائل بطور همه جانبه بررسی شود. ما فقط میکوشیم که حادثه ۲۸ مرداد را در کل آن مطرح کنیم و چگونگی جا بجا شدن واحدهای مبارز و تقییر تناسب نیروها و برخورد اندیشه‌ها و سیاست‌ها را لاف اقل عنوان کنیم، تا شاید زمینه‌ای برای تفکر بدست دهد و آنان را که جوایای حقیقتند، راهی بدانجا باشد.

تظاهرات علیه گرانفروشی

ساعت ۵/۵ بعد از ظهر ۱۳ مرداد، جمعیتی در حدود ۳۰ نفر، در خیابان ۲۱ متری انقلاب، به راه پیمایی پرداختند. آنها خواستار مجازات سریع و شدید گرانفروشان بودند. جمعیت پلاکاردهایی با خود حمل میکرد که مضمون برخی از آنان چنین بود: «دولت باید هر چه زودتر عناصر گرانفروش ضدانقلاب را در دادگاههای شرعی محاکمه کند.»

«ما جوانان ۲۱ متری انقلاب حاضریم در صورت برچیده شدن بساط و کوتاه شدن دست گرانفروشان، عهده‌دار تهیه و فروش ارزاق عمومی با ارزانترین قیمت شویم.»

جمعیت همچون شمار میداد، «بساط گرانفروشی برچیده باید گردد!» «مردم گرانفروش!» «عده کثیری از مردم نیز در دردی را دوا نمیکند.»

حاشیه خیابان تجمع کرده سخنان تظاهر کنندگان را تأیید میکردند. آنها معتقد بودند در شرایطی که انقلاب دوران دشواری را میگذراند و ضدانقلاب از طرق مختلف میکوشد به آن لطمه بزند و مانع پیشرفت آن شود، گرانفروشی و بالا بردن قیمت مایحتاج مردم، کمک به ضدانقلاب است و مردم را نسبت به انقلاب بدبین میسازد. مردم خواستار دخالت مستقیم دولت در امر توزیع ارزاق عمومی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها از فروش محصولات مورد نیاز مردم بودند. آنها می‌گفتند که دولت باید چاره‌ای بنیادی برای این مسئله بیاندیشد.

بنیادی لازم است، زیرا تا زمانی که مسئله تورم و افزایش قیمت‌ها، که از قانسو نمندبهای جوامع سرمایه‌داری است، از ریشه حل نشود، مبارزه با «گرانفروشی» دردی را دوا نمیکند.

آزادی!

ای خجسته واژه زمان
ای سرود سرکش بهار
ترکش جوانه های روزا
بی تو لحظه ای،
بی تو لحظه ای نمیتوان
در بهار باغ آفتاب
هاشاقانه خواند!

بی تو، دل نمی تپد
به شوق،
بی تو، دانه های سرخ عشق
در ضمیر ما
قد نمی کشند،
بر نمی دهند،
بی تو، چهره ها

همه کیود میشوند .
بی تو، جامه ها
همه سیاه،
بی تو، لحظه ها
همه حزین...

در بهار تو
- ای بلند ضربه های شاد زندگی
نیض تند عشق
ازرگان نازک و ظریف لحظه ها،
از تن تمام قطره ها و ذره ها
میرسد بگوش!

زیر بال تو
- ای بلند بیرق بهار -
گر هم میشود ضمیر خاک،
صبح میشود،
بهار میشود،
دستهای بسته گرم کار میشود.
روزگار خفته باز

می کند
خروش!
ای خجسته واژه زمان
در بهار سرزمین من
جاودانه باش و
جلوه کن

برزین آذر مهر
فروردین ۵۸

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی، هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، جز تکیه به اینک فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تا کنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری ببار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهیم دید که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. باسپاس. «مردم»

ریگای کوردستان (راه کردستان)

بزودی منتشر میشود

توجه
با احترام روز
شهادت علی، امام
اول شیعیان، «مردم»
به های چهارشنبه، روز
پنجشنبه منتشر میشود.

فعالیت ضد کمونیستی امپریالیسم در ایران تشدید شده است

در جهاد سازندگی ثبت نام کنند و برای آنها پرونده هم تشکیل داده اند. تا کنون به چند نفر، به اتهام داشتن عقاید کمونیستی، اجازه شرکت در جهاد سازندگی را نداده اند.

روزنهم مرداد، هنگامیکه دو نفر از هواداران حزب ما، در دروازه کازرون مشغول فروختن روزنامه «مردم» بودند، پیرمردی که برای تحریک مردم داد میزد، «ما کشته دادیم، اجازه فروش روزنامه کمونیستی نمی دهیم»، به آنها هجوم آورد و روزنامه ها را پاره کرد. مردمی که در آنجا جمع شده بودند، به او اعتراض کردند که نباید روزنامه ها را پاره کرد، چون اینکار را بحساب اسلام میکنند. چند دقیقه بعد مأموری از کمیته رسید. او ابتدا با پاره کردن روزنامه مخالفت کرد، اما بعد، زیرا این عنوان که اینها خلق هستند که روزنامه های شمارا پاره میکنند، بدفاع از پیرمرد پرداخت.

نظیر حمله این پیرمرد، با همان شعار، در چند نقطه دیگر کازرون هم گزارش شده است. از فضا و مرودشت هم گزارش رسیده است که چند بار به دکاهای روزنامه فروشی، که «مردم» می فروخته اند، حمله شده است.

گزارش زیر راهم یکی از هواداران حزب ما از اصفهان فرستاده است.

کتابفروشی عطایی، واقع در خیابان طالقانی، بوسیله بمب مدتی پیش منفجر شد و در نتیجه یکی از اقوام صاحب کتابفروشی بشدت زخمی گردید و بعد از انتقال به بیمارستان، بعلت شدت جراحات وارده، فوت کرد. دزجریان انفجار این کتابفروشی، یک مغازه قصابی و یک مغازه پارچه فروشی نیز بکلی از بین رفت.

من چندین بار بمحل حادثه رفتم، ولی ماجرای که توجهم را جلب و ماهیت واقعی جنایتکاران را برآیم روشن کرد، روزشنبه ۳۰ تیر ماه، ساعت ۴ بعد از ظهر، اتفاق افتاد. وقتی به محل رسیدم، مردم برای تماشای محل حادثه جمع شده بودند. گروهی سوم ارتشی خود را به جمع رسانده بود و سمشا میگرد. توجهم جلب شد. دیدم شروع کرده به بدو ویران گفتن: به کمونیستها. داخل این کتابفروشی همه نوع کتابی دیده میشد و منحصر به گروه و یا جمعیت خاصی نبود. از جمله چندین جلد کتاب قرآن و نهج البلاغه هم در داخل کتابفروشی وجود داشت. فردارشی، که اتیکتی که نامش را مشخص کرده باشد، به سینه نداشت، با حرارت مردم را تحریک میکرد که، اگر سابق ماحرفی میزدیم، میگفتند که چیره خوار شاه سابق هستیم، ولی حالا که اینطور نیست و من حتم دارم که اینکار را کمونیستها کرده اند. شما ببینید چه کسی به غیر از اینها حاضر میشود کتاب قرآن را آتش بزند؟ عده ای هم که دچار احساسات شده بودند، شروع کردند به لعن و نفرین کمونیستها. فردارشی که وظیفه خود را بخوبی انجام داده بود، با تبسمی که بر لب داشت، محل را ترک کرد.

فعالیت ضد کمونیستی از وظایف عمده امپریالیسم و ارتجاع است. هر روز که میگذرد، ساواکی ها و اعمال امپریالیسم در ایران، از جمله با مخفی شدن زیر نام اسلام و بسا استفاده از افراد قشری این فعالیت خائسانه امپریالیستی را تشدید میکنند. لیه تیز ضد انقلاب، که با استفاده از هر وسیله ای قصد بدنام کردن کمونیست ها را دارد، بیش از همه متوجه سرسخت ترین دشمن امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، یعنی حزب توده ایران است.

چند گزارش زیرین، نمونه هایی از این فعالیت ضد خلقی را روشن میکند. یکی از هواداران حزب ما در نامه ای چنین نوشته است:

«خانه مادریکی از جنوبی ترین نقاط تهران است و مادرم نیز همانند هزاران مادر قدیمی دیگر، از نعمت داشتن سواد و خواندن و نوشتن محروم است، ولی بخاطر عشق به طبقه شوهر و فرزندش، یعنی طبقه کارگر و در نتیجه به پیشاهنگ مبارز و ستاد عملیاتی اش، یعنی حزب طرازنوین طبقه کارگر، حزب توده ایران، روزنامه مردم، ارگان حزب، را بسیار دوست میدارد، آنرا میخورد و بخانه می آورد و میدهد به بر و بچه های باسواد خانه تا برایش بخوانند.

چند روز پیش وقتی مادرم برای خرید «مردم» رفته بود، مرد میانه سالی به او نزدیک میشود و میگوید: مادرا شما میدانید که این روزنامه کمونیستی است؟ مادرم جواب میدهد: خوب باشد. مگر چه عیبی دارد؟ او میگوید: مادرا مگر متوجه نیستید این کمونیستها ضد انقلابند؟ اخلاک و خرابکارند؟

مادرم بسه او میگوید: نخیر! شما اشتباه میکنید! کمونیستها واقعی هیچیک از اینها که شما گفتید، نیستند! کمونیستها بسیار انسانهای شریفی هستند و تا بحال هم علیه انقلاب ما دست به هیچ یک از کارهایی که شما میگویید، نزده اند! ما آنها را دوست داریم! این آدمهای ضد انقلاب و خرابکاری که شما میگویید، همگی از ارتجاع و بازماندگان رژیم شاه مخلوع هستند ...

طرف که می بیند سمیه پسر زور است، دیگر چیزی نمیگوید، راهش را می کشد و میرود.»

از همدان خبر رسیده است که گروهی از افراد مشکوک، با استفاده از نفوذشان در کمیته ها، زیر پوشش شرکت در جهاد سازندگی، به روستاهای اطراف همدان رفته اند. وظیفه اصلی این افراد تبلیغ علیه کمونیست ها است. آنها بسه روستائیان میگویند، مواظب باشید کمونیستها نیایند مثل جاهای دیگر خرمن های شما را آتش بزنند.

از طرف دیگر، بدنبال نفوذ همین افراد و استفاده از برخی مسئولان قشری کمیته ها، دقت زیادی بعمل می آید تا دانشجویان و دانش آموزان کمونیست نتوانند برای شرکت

ایجاد ابهام در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران، بسود ضد انقلاب است

وازدروغ مایه میگیرد، در آخرین نتیجه به شکست مفتضح می انجامد. این حقیقتی است که همه جا اثبات شده، از جمله در کشور خود ما.

۵۰ سال رژیم پهلوی، با بوق و کرنا و با تمام وسائل ممکن، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، تظاهرات، سخنرانیها و حتی وعظ روحانی نماها، کوشید دروغ را بجای راست بخورد مردم دهه، بخیا اینک مردم جاهلند و بسا تکرار دروغ میتوان آنها را فریفت. نتیجه چه شد؟ آیا مردم ایران، همه باهم، در عمل نشان ندادند که دشمن خود را در چهره امپریالیسم، بسردمداری امپریالیسم آمریکا، علی رغم تمام تبلیغات نوع آریامهری، شناخته اند؟

تبلیغات آنکاه در توده های مردم نفوذ میکند که راست باشد، توده ها باشم خود همیشه و در همه جا سرانجام راست را از دروغ تشخیص میدهند، راست را می پذیرند و به دروغ باور نمیکنند و در نتیجه دروغ پردازان در بین توده ها فقط عرض خود میبرند.

جلوه دادن، محروم کردن چپه انقلاب از نیروهای ضد امپریالیستی است و این عمل (قطع نظر از نیت مبلغ) تقویت غیر مستقیم ضد انقلاب است.

مقصود از «شرق» - چنانکه میدانیم - کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی است، یعنی کشوری که بزرگترین قدرت ضد امپریالیستی جهان، بزرگترین حامی انقلابهای آزادیبخش و پشتیبان استقلال کشورها، که از حسن اتفاق، هم مرز کشور ماست و در عمل، در بحبوحه انقلاب ایران، آنکاه که آمریکا میخواست با گسیل نیروی نظامی انقلاب ما را در خون خفه کند، با اخطار جدی و قاطع خود امپریالیسم آمریکا را مجبور کرد دست به ارتکاب این جنایت بزرگ نزند.

نکته ای هم که در این مقال باید گفته شود، بویژه برای آنها تیکه به عمد در مرز بندی مورد گفتگو ابهام ایجاد میکنند، اینست که، تبلیغاتی که بر اساس دروغ بنا شده

داخلی و خارجی را با نیروهای انقلابی داخلی و خارجی، بی هیچگونه ابهام، در نظر بگیرد، تا در جهت بسیج نیروهای انقلابی در مبارزه علیه نیروهای ضد انقلابی عمل کند.

ولی متأسفانه، در تبلیغاتی که در کشور انجام میگیرد، این مرز بندی همیشه مشخص نیست. حتی مواردی نه چندان نادر دیده میشود که از زبان برخی مقامات مسئول نیز، ابهامی در این مرز بندی ایجاد میشود، از جمله از طریق بکار بردن اصطلاح «شرق و غرب»، «امپریالیسم شرق و غرب»، «جهانخواهان شرق و غرب» و نظایر آنها، که دوستان واقعی انقلاب ایران و بطور کلی انقلابها و جنبش های رهائی بخش ضد امپریالیستی را در کنار دشمنان غدار مردم ایران و دیگر ملل ستم دیده قرار میدهد. این شیوه تبلیغاتی - بدیهی است - (دانسته یا ندانسته) بسود ضد انقلاب است، زیرا دوست رادشمن

انقلاب ایران دشمنان سر سخت مشخصی دارد. در داخل کشور بازماندگان رژیم و از گون شده و در عرصه جهانی امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، که یکی از دستهای اختاپوس امپریالیسم خونخوار است. این واقعیتی است که همه کس میدانند و بنابراین هیچکس قادر نیست، این دشمنان شناخته شده را دوست مردم و انقلاب ایران معرفی کند.

از طرف دیگر، در چپه انقلاب، در داخل کشور، همه طبقات و اقشار زحمتکش و همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد استبدادی قرار گرفته اند که خواستار تأمین استقلال ایران در همه زمینه های زندگی و بر خورداری از آزادیها و حقوق دمکراتیک هستند، و در عرصه جهانی، همه نیروهای ضد امپریالیستی، که با اصطلاح رایج «شرق» نام گذاری شده اند.

بنابراین تبلیغاتی که در کشور انجام میگیرد - اگر قرار است بسود انقلاب انجام گیرد - باید این مرز بندی بین نیروهای ضد انقلابی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق